نوشتهٔ دانشمند معظم سید صادق شیرازی

راهی بەسوی
بانک اسلامی

ترجمه: علی کاظمی

بسم الله الرحمن الرحیم

راهی به سوی بانک اسلامی

نویسنده:

آیت الله سید صادق حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راهی بسوی: بانک اسلامی

مشخصات کتاب

نویسنده :دانشمند محترم سید صادق شیرازی

ترجمه: علی کاظمی

اهداء به:

شما بازرگانان مسلمان که مسئولیت احیای قوانین اقتصادی اسلام را به عهده دارید و در تأسیس (بانک اسلامی) خواهید کوشید. مترجم

این کتاب سرمایه انتشارات قرآن قم در ۲۰۰۰ نسخه در تاریخ ۱/۵/۹۳ ق بچاپ رسید.

راهی بسوی بانک اسلامی

مقدمه مترجم

پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیشگاه حضرت ختمی مرتبت و اهلبیت پاک و خاندان عصمت و طهارت.

بسیاری از اوقات هنگامی که انسان با برخی از افراد تحصیلکرده برمی خورد، و صحبت از اقتصاد اسلام به میان می آید با کمال تعجب می پرسند: راستی اسلام هم درباره اقتصاد برنامه ای دارد؟ غافل از آنکه عالیترین برنامه های اقتصادی در پرتو قوانین اقتصادی اسلام است. پس چرا جوانان ما و اقتصاد دانهای ما از اقتصاد اسلام بی اطلاعند؟ برای آنکه این ذخائر علمی عظیم بی صاحب است، و مسلمانان که در اثر تفرقه و اختلاف و از هم پاشیدگی در میدان اقتصاد عقب افتاده اند، اقتصادی ندارند که احساس احتیاج به برنامه اقتصادی بکنند. و اگر هم تازه تازه برخی از ممالک اسلامی بخواهند سر از خواب بردارند و به فکر رشد اقتصادی بیفتند، متأسفانه آنقدر زرق و برق تمدن بیگانه چشم و گوش آنان را بسته که قدرت نگاه انداختن و تأمل در برنامه های اقتصادی اسلام ندارند؛ و همینطور سربسته و دربسته برنامه های اقتصادی دیگران را تحویل گرفته روی آن کار می کنند.

و اصولا بعضیها فکر نمی کنند که واقعا در اسلام برنامه هائی برای اداره امور اقتصادی کشورها وجود داشته باشد، برای نمونه در مورد تأسیسات بانکی و برنامه های اقتصادی این مؤسسات کمتر کسی هنوز هم فکر می کند که در پرتو قوانین اسلام

مسلمانان بتوانند (بانکهای اسلامی) داشته باشد.

کتاب حاضر

این کتاب ترجمه کتاب (الطریق الی بنک اسلامی) نوشته دانشمند محترم جناب آقای حاج سید صادق شیرازی است مؤلف در این کتاب می خواهد راه رسیدن به یک (بانک اسلامی) را برای مسلمانان هموار کند، و این مسئله را به خوبی مورد بحث قرار داده است، و با حل مشکلاتی که در مورد تأسیس (بانک اسلامی) تصور می شود، ثابت می کند که نه تنها در پرتو قوانین و برنامه های اقتصادی اسلام می توان بانکهای اسلامی تأسیس کرد بلکه بانک اسلامی می تواند با سود بیشتری که خود می برد، و سود بیشتری که به مراجعین خود می رساند به فعالیت ادامه دهد.

به طوری که در ظرف مدت کوتاهی دارای بنیه اقتصادی قوی شده، مراجعین بسیار زیادی برای خود جلب کند، هم از طریق مشروع به مراجعین خود وام های بی بهره بدهد، و هم از طریق مشروع شریک سود بازرگانی مراجعین خود گردد.

خلاصه در این کتاب می خوانید که بانک اسلامی می تواند تمام عملیات بانکهای دیگر را به استثنای داد و ستد معاملات نامشروع ربا به خوبی انجام دهد؛ به اضافه اینکه با داشتن یک سلسله برنامه های اقتصادی جالب اسلامی بر دیگر بانکهای موجود برتری خواهد داشت.

ولی باید دانست که همانگونه که مؤلف اشاره نموده اند از سالهای قبل فکر تأسیس بانک اسلامی از طرف اخوی معظم ایشان حضرت آیه الله سید محمد شیرازی به تجار و بانکداران عراق پیشنهاد شده است و معظم له کتاب جالبی در این مورد بنام (بانک اسلامی) نوشته اند که همگی منتظر نشر آن هستیم.

بازرگانان مسلمان

در خاتمه امید است بازرگانان مسلمان که اینک راهی برای تأسیس (بانک اسلامی) جلوی پای آنان گذاشته شده است این وظیفه بزرگ را عهده

دار شوند، و با تشریک مساعی برادران دینی آرزوی یک عمر مسلمانان را عملی سازند، ما بسیار دیر تکان خورده ایم همان سالهای اولی که اولین دکه بانکی در ممالک اسلامی باز شد می بایست علمای اسلام و اقتصاد دانان مسلمین به جای تحریم بانک و منفی بافی می نشستند و اقدام مثبتی انجام می دادند که امروزه، بازارهای مسلمین میدان تاخت و تاز بانکهای ربا خوار نمی بود، به هر حال از نیمه ضرر هم بازگشتن منفعت است.

البته ناگفته نماند که جای بسی خوشبختی است که سالهای اخیر در حوزه علمیه قم (صندوق قرض الحسنه علوی) و (مؤسسه تعاون اسلامی) و در تهران و مشهد و اصفهان و همدان و سایر شهرستانها نیز گامهائی به سوی این هدف برداشته شده است، اما تنها به پرداخت قرض الحسنه نمی توان اکتفا کرد، بلکه باید کاری کرد که مسلمانان بتوانند تمامی احتیاجات بانکی خود را در بانکهای صالحی که طبق قوانین اقتصادی اسلام کار می کند برطرف سازند، و یا کاری شود که بانکهای فعلی در برنامه های خود تجدید نظر کنند، و داد و ستد ربا را از برنامه های خود حذف نمایند.

به امید آن روز

حوزه علمیه قم علی کاظمی موموندی

۱۵ / ۳ / ۱۳۹۳ قمری

مقدمه مؤلف:

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدای جهان را.

درود الهی، درود پیامبران الهی، درود فرشتگان و مردم جهان بر محمد (ص) خاتم پیامبران و آل اطهارش.

کتابی که در دست دارید دارای دو فصل است:

۱. در راه الغاء ربا.

۲. کارهای اساسی بانک اسلامی.

و این دو فصل قسمتی است از کتابی که مدتها پیش آن را بنام:

(فی الاقتصاد الاسلامی و مشکله الربا) یعنی: (پیرامون اقتصاد اسلامی و مسئله ربا) نوشته بودم.

با اینکه

به عللی که شاید برای من روشن است چاپ این دو فصل قبل از چاپ اصل کتاب، برای قسمتهای دیگر کتاب ایجاد اشکالاتی خواهد کرد، اما با این وصف تصمیم گرفتیم که این دو فصل را هر طور شده قبلا چاپ کنیم، اینک این دو فصل را تقدیم می نمائیم:

کربلاء مقدسه

سید صادق شیرازی

۱ الغاء ربا

نا امیدی چرا؟

طبیعت مردم بر این سرشته شده است که در برابر کارهای پیچیده که چاره آن را سخت می دانند تسلیم شوند؛ و به فکر اصلاح امر فاسدی که دنیا را فرا گرفته است نمی افتند. و هر نوع بحث و گفتگوئی را پیرامون الغاء ربا، و جایگزین نمودن برنامه صالحی را بجای آن بحثی محال شمرده که امید پیروزی برای آن ندارند.

هنگامی که مردم می بینند بانکها دنیا را پر کرده اند.

و می بینند بازارها و بازرگانیهای جهان با این بانکها سروکار دارند؛ و بانکها هم کارشان داد و ستد ربا است، دیگر به فکر اصلاح باکها نمی افتند، زیرا اصلاح بانکها کاری است بس مشکل، و احتیاج به استقامت و دوام بسیار زیاد دارد. و اگر هم کسی در فکر اصلاح بانکها برآید؛ کار او را بلاف و گزاف نسبت داده نتیجه را مجهول می دانند. همانگونه که بر هر انسانی به خاطر انسانیت به هر نحو و به هر قیمت که شده واجب است برای ریشه کن ساختن مفاسدی که امروزه بر همه جا حکمرفا است کوشش کند، و مواد فاسد را از قاموس نظام اقتصادی موجود ریشه کن ساخته، به جای آن اوضاع و احوال صالح و برنامه صالحی جایگزین سازد.

همینطور نیز بر افراد مسلمان به خاطر اسلام واجب است به هر نحو و به هر قیمت

که شـده اوضـاع نامسـلمانی، و برنامه های غیر اسـلامی، و ماده های غیر اسـلامی را از میان جامعه اسـلامی ریشه کن ساخته، و برنامه و اوضاع اسلامی جایگزین آن سازد.

مشـکله ربـا در بانکهـای امروزی از قبیل مشـکلاتی است که چاره آن سـخت است، آیا بایـد این مشـکل را رها کرد تا همانند گذشته اجتماع را از بین ببرد؛ و همچنان بقاء و استمرار آن در جهان مصیبتها ایجاد کند.

افراد بیـدار که به هر چیز از دریچه منطق و عقـل می نگرنـد، بـا آغوش باز هر چیز را می پذیرنـد و تحویل می گیرنـد تا از آن میان حق را دریابند و از روشـها و سـخنان حق پیروی نمایند. آری افراد روشن دریچه گوش خود را به روی هر سـخنی باز می کننـد تـا حق را درک کننـد و آن را تصـدیق نموده از آن پیروی نماینـد، و همگان را به سوی آن دعوت نماینـد، و در مقابل، ناحق و باطل را طرد نموده با آن به مبارزه پردازند.

خداوند کریم اینگونه افراد را در قرآن مجیدش ستوده و درباره آنان می فرمایدک

(بشارت ده آن دسـته از بندگان مرا که هر سـخنی را می شـنوند، ولی از آن سـخنی که نیک تر و بهتر است پیروی می نمایند؛ اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و اینان افراد روشن و خردمند می باشند).

هم اکنون به امیـد خدا در صدد پاسخ به پرسشـهائی برمی آئیم که انسان هنگام مطالعه (نظریه الغاء ربا) با آنها روبرو می شود، و در این راه به صورت موانعی جلوه می کند، و چه بسا، حل این مشـکلات هم بسـیار سخت به نظر برسد، و برخی از مخالفین اسلام، یا طرفداران رباخواری این پرسشها را از جمله

مشکلات غیرقابل حل معرفی می نمایند.

ولی این مشکلات و مسائل که انشاء الله به طور مختصر در صدد آنها و پاسخگوئی به آن برمی آئیم برای شما معلوم خواهد شد که چگونه حل آن آسان است؛ و از دور برای افرادی همچون سراب ها و آب نماها جلوه ای کاذبانه داشته است. اینك این پرسشها را روی میز تشریح حقیقت قرار دهیم:

۱. در بانکها چگونه می توان از (ربا) بی نیاز شد؟

۲. حقوق کارمندان از کجا تأمین شود؟

۳. چگونه قرض بی ربا بدهیم؟

۴. در بانك اسلامی بودجه را چگونه حفظ کنیم؟

۱. چگونه می توان در بانک ها از ربا چشم پوشید؟

این پرسش اولین مشکلی است که مسئله (الغاء ربا) با آن مواجه می شود.

می گویند (بله ما قبول داریم که ربا خانمان برانداز و کوبنده اقتصاد ملتها است، اما چاره چیست، ما چگونه می توانیم از این بانکهائی که ربا می گیرند و ربا می دهند چشم بپوشیم؟ در صورتی که این بانکها امروزه شریان حیاتی اقتصادند و همچون روح موجب پایداری آن می باشند، و تجارتهای جهانی هم بر اساس داد و ستدهای بانکی استوار شده، و بازارهای جهانی هم با این بانکها می چرخند، آیا با این وصف چشم پوشی از بانکها جز این معنائی دارد که باید تمام بازارها و داد و ستدها و اقتصاد ملتها، واردات ها و صادراتها همگی یکباره به حالت تعطیل درآید؟

بنابراین یا میبایست خود را تسلیم ربا کنیم و با این بانکها داد و ستد نمائیم؟

و یا می بایست به منظور فرار از این بانکها بازارها و بازرگانیها راکد شود؟

این پرسش را مردم به صورت یك مشکل غیرقابل حل تصور می کنند، و در برابر آن راه نجاتی نمی یابند.

و اما غافل از آنکه وقتی ما درباره بانکهای رباخوار بحث می کنیم، به عنوان یك

بانـک دربـاره آنها به گفتگو نمی پردازیم بلکه به عنوان (بانکهای رباخوار) که داد و سـتد ربوی انجام می دهنـد پیرامون آنها بحث می نمائیم.

ما نمی گوئیم از بانکها چشم پوشی کنیم؛ و نیازی به بانکها نداریم.

بلکه ما می گوئیم: از رباخواری در بانک چشم بپوشـیم؛ و این رباخواری بانکها است که اقتصاد جامعه را فلـج می کند. و این (ربا) که ما درباره آن بحث می کنیم نه شاهرگ حیاتی اقتصاد است، و نه روح اقتصاد و بازرگانی ملتها می باشـد و نه گردش بازارها به واسطه آن می باشد.

و این که می بینیم امروزه بانکها از عوامل مهم گردش اقتصاد می باشـند به خاطر مجموعه داد و ستدها، و ردوبدل حوالجات و صـادرات و وادرات؛ و بـاز کردن حسابهـای جـاری و گردش، و قبول ودیعه هـا و بازرگانیها و کارهای دیگری است که انجام می دهند ... نه به خاطر داد و ستد ربا، به طوری که اگر بانکها از ربا چشم بپوشند به منزله قطع شاهرگ حیاتی جامعه باشد!

ما به شـما اطمینان می دهیم که اگر داد و سـتدهای ربوی از بانکها حذف شود؛ و بانکها به کارهای دیگر خود به غیر از داد و سـتـد ربا ادامه دهنـد هیـچ بازاری متوقف نخواهـد شد، و هیچ تجارتی و واردات و صادراتی تعطیل نخواهد شد، بلکه برعکس اگر بازرگانیها و بازارها از سیسـتم ربائی به سیستم «مضاربه» اسلامی تبدیل شوند ترقی بیشتری نصیب آنها خواهد شد. بنابراین برای مـا امکان دارد که در بانکها از ربا صـرف نظر نمائیم! بلکه الغاء ربا از نظر انسانیت لزوم حیاتی دارد. و پس از الغاء ربا به خوبی خواهیم فهمید که چگونه اقتصاد پیشرفت خواهد نمود.

۲. حقوق کارمندان از کجا؟

پرسش دوم این است:

پس

از آنکه از برنامه بانکها، ربا این درآمد هنگفت الغاء شد؛ حقوق کارمندان بانکها که بودجه فراوانی است از کجا تأمین شود؟

برای پاسخ دادن به این پرسش باید به این سه نکته توجه نمود:

نکته اول:

آیا سود بانکها تنها منحصر به (ربا) است، که اگر ربا الغاء گردید بانکها درآمد دیگری به دست نیاورند؟ و بانک برای حقوق کارمندان بودجه ای نداشته باشد؟ نه خیر!

بانکها کارهای بازرگانی مهمی انجام می دهند که می توان گفت: چرخ اقتصاد جامعه بوسیله همین کارهای بازرگانی بانکها می چرخد، و روی همین حساب است که بانکها امروزه به صورت شاهرگ حیاتی اقتصاد جهان درآمده اند، و سودهائی که بانکها از کارهای بازرگانی به دست می آورند به مراتب بیشتر از منافعی است که بنام (ربا) به جیب می زنند. بنابراین امکان دارد همانند دیگر مؤسسات و شرکتها که حقوق کارگران خود را از سودهای حاصله بازرگانی می پردازند و بقیه را صاحبان شرکتها و مؤسسات برای خود منظور می دارند، بانکها نیز حقوق کارمندان خود را از مجموع سودهای حاصله خود بپردازند.

علاوه بر این رواج ربا در بانکها که در نتیجه آن از گردش بازارها کاسته می شود، بازرگانیها لطمه می خورد، سطح بی کاری در میان مردم بالا می رود، و افراد بی سرمایه قدرت کار نخواهند داشت؛ فقر و تنگدستی روی آور می شود، ثروتها همچنان جامد و راکد خواهند ماند، آیا وجدان انسانیت اجازه می دهد که جهانیان بخاطر حقوق کارمندان و مزد مستخدمین در این بلادها و نابسامانیهای حاصله از ربا دست و پا بزنند؟

هیچ گاه انسانیت و وجدان بشر چنین اجازه ای نخواهد داد، و برعکس وجدان انسان با سرسختی و شدت به جنگ ربا برمی خیزد.

نکته دوم:

آیا حقوق کارمندان بانکها به

اندازه یک دهم ۱/۱۰ بودجه هائی که دولتها بنام بالا بردن سطح اقتصاد کشور صرف می کنند خواهد شد؟ دولتها به عنوان بالا بردن سطح اقتصاد کشور این بودجه ها را صرف می کنند:

۱. تشکیل وزارتخانه ای مخصوص اقتصاد، با دوائر و قسمتهای مربوطه.

۲. مبالغ هنگفتی از بودجه که صرف هیئتهای اقتصادی می شود.

۳. همه ساله به منظور تکمیل مطالعات اقتصادی تعداد بسیاری دانشجو به کشورهای دیگر اعزام می کنند.

۴. تأسیس دانشکده های مهمی به منظور مطالعات در زمینه اقتصاد.

و از این قبیل امور مربوطه به اقتصاد که در راه آن بودجه های هنگفتی صرف می گردد.

دولت هائی که بار سنگین این همه بودجه های فراوان را بنام (رشد اقتصادی) یا (در راه یک اقتصاد نیرومند) و ... بر دوش خود تحمل می کنند؛ چه می شود که در ردیف این ستونهای بزرگ به وجود یک قلم حقوق کارمندان بانکها را نیز بنام (رشد اقتصادی) و دیگر عناوین فریبنده بدوش کشند، زیرا الغاء ربا برای ایجاد یک اقتصاد نمونه، و رشد اقتصادی گامی بسیار مؤثر به شمار می رود ...

این در مورد بانکهای دولتی.

اما نسبت به بانکهای خصوصی و ملی انصاف آن است که این بانکها نیز هر چند هم که با الغاء ربا قسمت مهمی از منافع خود راکه از راه ربا بدست می آوردند از دست خواهند داد ولی انصاف آن است که آنها نیز باید از این سود کثیف صرف نظر کنند، زیرا با الغای ربا اقتصاد به سوی ترقی و تکامل پیش خواهد رفت، و موجودیت اقتصاد جامعه به سود همگی افراد ملت حفظ خواهد شد.

زیرا بر افراد یک جامعه لازم است که مصالح عمومی مهم اجتماع را بر مصالح ناچیز فردی خود مقدم دارند. کدام وجدان سالم

اجازه می دهد که ملتی در فقر و فلاکت و گرسنگی دست و پا بزنند، و اقتصاد ملتی فلج شود، تا عده ای ثروتمندان و اشراف بر میزان ثروتهای کلان خود بیفزایند؟

و کدام وجدان سالم است که بخاطر تأمین مصالح حتمی و ضروری یک اجتماع از رباخواری این ثروتمندان و پولداران الغاء رژیم رباخواری را اجازه ندهد؟

به زودی در فصل آینده ثابت می کنیم که اگر رژیم ربا خواری لغو شود؛ بانکها چه دولتی و چه ملی از سود بیشتری بهره مند خواهند شد.

علاوه بر این اگر بانکهای دولتی از داد و ستدهای ربوی دست بکشند، و ربا را از برنامه بانکها الغاء کنند، بانکهای ملی و خصوصی هم به زودی قبل از آنکه آنها را مجبور کنند برای حفظ موجودیت خود به سرعت ربا را در برنامه های بانکی لغو خواهند نمود.

زیرا پس از آنکه بانکهای دولتی ربا را لغو کردند، بانکهای خصوصی می بینند که مردم متوجه بانکهای دولتی می شوند و بانکهای آنان راکد خواهد ماند، و دیگر مردم با آنان رابطه نخواهند داشت؛ و علاوه از دست دادن سودهای ربائی سودهای تجارتی را هم که از راههای دیگر داشت، مانند سودهائی که از راه حسابهای مختلف؛ و سودهائی که از راه حوالجات و قبول چکها، و صادرات و وادرات و ... نصیب بانکها می گردد، این سودها را نیز از دست خواهند داد. و لذا بانکهای خصوصی برای آنکه لااقل این سودها را برای خود حفظ کنند به صرعت ربا را از نظام بانکی خود لغو خواهند نمود.

نکته سوم:

در صورت (الغاء ربا) بانکها در عین حال که گرفتن ربا را لغو کرده اند، پرداخت ربا را نیز لغو خواهند نمود،

بنـابراین الغـاء ربـا اگر از یـک سو با از دست دادن سودهائی که به عنوان ربا می گرفته انـد برای بانکها خسارتی به شـمار می آید، از سوی دیگر با نپرداختن سودهائی که به عنوان ربا می پرداخته اند منافعی خواهند داشت.

زیرا همـانگونه که بانکهـا از افرادی که به آنهـا وام داده است ربا می گیرد، به ثروتمنـدانی که اموال خود را در حسابهای بهره دار به بانک می سپارند ربا می دهد.

برای نمونه بانکی که سودهای حاصله او از بدهکارانش مثلا دو میلیون تومان باشد مبلغی نیز به همین میزان باید به عنوان ربای حسابهـای سپرده و ... به افراد معـدودی از ثروتمنـدان بپردازد. روی این حسـاب بـانکی که در یـک سـال مثلا مبلغ دو میلیون تومـان از هزاران فقیر و نـاتوان و محتـاج به عنوان ربـا دریافت می کنـد مبلغی به همین میزانها بایـد به عنوان ربا حسابهای افراد معدودی از ثروتمندان به آنان بپردازد.

بله ممکن است سر سـال سودهـای دریـافتی بانـک از طریق ربـا بیشتر از سودهـای پرداختی باشـد؛ مثلا سودهای دریافتی یک میلیون و دویست هزار تومان باشد، در حالی که سودهای پرداختیش بیش از یک میلیون تومان نباشد.

و نیز امکـان دارد گـاهی هم سودهـای دریافتی یک بانک از طریق ربا سـر سال کمتر از سودهای پرداختی او باشـد؛ مثل اینکه برعکس سودهـای دریـافتی بانک یک میلیون تومان باشـد در حالی که سودهای پرداختیش یک میلیون و دویست هزار تومان باشـد. بنـابراین (الغاء ربا) زیان بزرگ و خسارت مهمی در بودجه بانکها ایجاد نمی کنـد، که بعضـی از افراد الغاء ربا را محال می پندارند. بلکه باید گفت: جریان برعکس است، و در بسیاری از بانکها که میزان سپرده ها در آن بیشتر است

از وامهائی که به مردم می دهند، الغاء ربا در اینگونه بانکها از خسارتهای فراوانی جلوگیری خواهد نمود.

نتیجه اینکه:

تأمین حقوق کارمندان بانک تنها منحصر به (ربا) نیست به طوری که اگر ربا از بانکها حذف شود کارمندان بدون حقوق بمانند.

۳. چرا وام بی بهره بدهیم؟

این سومین پرسش است در این باره.

چگونه بدون بهره وام بدهیم؟

چرا ما ثروت خود را به مردم بدهیم که مدت زمانی در پرتو آن آسایش کنند، و پس از مدتها پول ما را بدون هیچ گونه سرآمد و ربحی همانطور که گرفته اند به ما پس بدهند؟

در پاسخ این پرسش خواهیم گفت:

اولا: سود مربوط به اصل مال و ثروت نیست، بلکه بهره در مقابل کار و کوشش است، آیا مشاهده نمی کنید: اگر ثروت فراوانی زیرزمین دفن شده باشد؛ هر چند هم که سالیان دراز بر آن بگذرد، اگر چیزی از آن کاسته نشود چیزی بر آن افزوده نخواهد شد؛ اما ثروت اندکی که با آن تجارت و داد و ستد انجام گیرد در هر معامله ای به میزان آن ثروت بهره بر آن افزوده خواهد شد؟

حال که از نظر طبیعی می بینیم بهره مربوط به اصل ثروت نیست؛ بنابراین صاحب مال چه حقی بر گیرنده وام دارد؟

از نظر اصل ثروت که دانستیم مال خود به خود صلاحیت جلب سود و بهره ای ندارد.

و از لحاظ کار و کوشش هم که صاحب ثروت برای زیاد شدن مال خود عملیاتی روی ثروت خود انجام نداده است. پس روی چه حسابی باید بر ثروت وام دهنده اضافه شود، و تنها به خاطر اینکه مدت زمانی پول خود را بدست نیازمندی داده است موقع بازپس گرفتن ثروت خود اضافه بر مبلغ پرداخت شده چیزی

مطالبه نماید؟

در ثانی:

چرا از ثواب آخرتی و خوشنودی خداوند غافل هستیم زیرا قرض دادن از کارهای نیکی است که از نظر اسلام دارای ثواب و پاداش فراوان است، گاهی انسان تجارت می کند و با ثروت خود ۵٪ یا ۱۰٪ یا ۱۵٪ بهره بدست می آورد، و گاهی هم انسان یک تجارت معنوی می کند و خداوند برای او بهره ای به میزان ۱۰۰٪ و بیشتر در حساب آخرتش منظور می کند. ما که مسلمان هستیم؛ و اعتقاد به آخرت و پاداش خداوندی داریم، چه مانعی دارد که بوسیله قسمتی از اموال خود سود دنیائی بدست بیاوریم، و بواسطه قسمت دیگری از ثروت خویش بهره های آخرتی پس انداز کنیم؟

بلکه ثواب آخرت در قرض الحسنه بسیار بیشتر از ۱۰۰٪ است.

چرا؟

برای اینکه ثواب صدقه طبق صریح قرآن ده برابر اصل مال است:

(هرکس در راه خدا احسان کند ده برابر آن پاداش دارد).

و حدیث شریف می فرماید: قرض دادن بهتر از صدقه دادن است، اینک به این روایت توجه فرمائید:

شیخ صدوق در کتاب (ثواب الاعمال) از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت می کند که فرمودند: (اگر من مالی را به کسی قرض بدهم در نظرم بهتر است از آنکه به اندازه همان مال را به کسی صدقه بدهم). بلکه پاداش قرض الحسنه از اینها هم بیشتر است! زیرا صدقه به نسبت ده برابر است. در حالتی که قرض به نسبت هیجده برابر خواهد بود اینک به این روایت توجه فرمائید: حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند: (در قرض الحسنه انسان یک بر هیجده ثواب می برد). آیا این اندازه بهره برای مسلمانان سودی بزرگ و ربحی کلان بشمار نمی آید؟ امروزه در بانکها خیلی که زیاد بهره به

شما بدهند ٨٪ یا ٩٪ است. اما بهره قرض الحسنه نزد خداوند به نسبت یک بر هیجده می باشد. بنابراین مسلمانها! بیائید به برادران دینی خود وام بدون بهره بدهیم تا از این بهره عالیتر و بیشتر برخوردار گردیم.

در ثالث: برای کسانی که قدرت کار ندارند و می خواهند از ثروت خود بهره ای بدست بیاورند در قوانین اقتصادی اسلام باب مضاربه باز است: اینکه خلاصه قانون مضاربه: مال از شخصی، کار از دیگری، و سود آن را به نسبت معینی با توافق یکدیگر میان خود تقسیم می کنند:

نصف سود برای صاحب پول، و نصف دیگری برای کسی که با آن کار می کند؟ یا اینکه یک سوم سود برای صاحب پول، دو سوم دیگر مربوط به طرف باشد!

یا اینکه یک چهارم سود برای صاحب پول، و سه چهارم دیگر برای طرف.

و همچنین به هر طرزی که توافق داشتند. فرقی که میان ربا و مضاربه موجود است از این جهت است:

١. بهره در ربا میزانی ثابت دارد ٥٪ یا ١٠٪ و ... اما سود در مضاربه محدود نیست، بلکه سود طرفین به میزان سود معاملات آنان است چه زیاد باشد و چه کم.

٢. سود ربا اکثراً اندک است، اما سود مضاربه چون یک سود بازرگانی است اکثرا بیشتر است.

کمتر تجارتی یافت می شود که سود آن ٥٪ باشد، معمولا سودهای بازرگانی ٢٠٪ یا ٣٠٪ بلکه گاهی بالا رفته به ٥٠٪ و ٦٠٪ می رسد. و گاهی ممکن است سود یک تجارت به صد در صد هم برسد.

٣. بهره ربا حتمی است، به این معنی شخصی که با پول دیگری تجارت می کند چه در تجارت خود سود ببرد یا زیان باید میزان معینی

همیشه ربا بدهد.

ولی بهره مـال مضـاربه حتمی و ثابت نیست، به این معنا که اگر اتفاقا تاجر در معامله خسارت دیـد، صاحب پول (اگر شـریک خسارت نشود) چیزی بیشتر از مال خود مطالبه نمی کنـد. بنابراین اگر پول خود را بدون ربا به کسـی به عنوان قرض یا مضاربه بدهیم بیش از ربا سود دنیوی و اخروی خواهیم برد.

۴ چگونه می توان بودجه را در بانک اسلامی حفظ کرد؟

این پرسـش پنجمین مشـکلی است که در راه تأسیس بانک اسلامی مانع بزرگی به نظر می رسد. چگونه ممکن است ما بتوانیم تعادل در بودجه بانک اسـلامی را حفظ کنیم؟ زیرا همین که مردم دانستند بانک اسلامی قرض بی بهره می دهد. همگان برای گرفتن وام به سوی بانک اسلامی هجوم می آورند، و در همان اولین روز سرمایه و موجودی بانک تمام خواهد شد.

اما پاسخ این پرسش:

بله بانک اسلامی (قرض الحسنه) می دهد، بی آنکه بهره و ربا بگیرد اما با شرائطی معقول و در یک چهار چوب مطالعه شده و معین، که برنامه آن مانند برنامه همین بانکهای امروزی است.

بانکهای امروزی هم یکباره تمام سـرمایه خود را وام نمی دهنـد، بلکه مقدار معینی از سـرمایه خود را اختصاص به این کار می دهنـد، و بقیه سـرمایه خود را برای کارهـای دیگری از قبیـل چکهـا، تجارتها، و ضـمانتها و دیگر معاملات می گذارنـد. بانک اسـلامی هم تنهـا یـک (بانک قرض الحسـنه) نیست وماننـد سایر بانکها است با یک فرق که در بانک اسـلامی تنها برنامه ربا دادن و ربا گرفتن لغو شده است، و به استثنای برخی از مواد جزئی دیگر از سایر کارهای بانکی که قوانین اقتصادی اسلام آنها را نیز تجویز نمی کند.

بله آن دسته از افراد که می خواهند به منظور تجارت نه برای رفع احتیاجات ضروری زندگی، از بانک اسلامی قرض بگیرند، بانک اسلامی نباید به این دسته افراد قرض الحسنه بدهد، بلکه به عنوان (مضاربه) پولی در اختیار آنان می گذارد که طرف با آن پول تجارت کند و سودهای حاصله میان بانک اسلامی و طرف حساب، به نسبت معینی تقسیم گردد؛ و در فصل آتیه مقداری در این باره بحث خواهد شد. اما آن دسته از افراد تنگدست که احتیاج، آنها را وادار به قرض الحسنه از بانک اسلامی کرده است، لازمه برادری و انسانیت، و وجدان اخلاقی و روحیه خیرخواهی است که به این افراد بدون بهره قرض الحسنه داده شود، و این اقدام همانند دیگر اقدامات بهره قرض الحسنه داده شود، و این اقدام همانند دیگر اقدامات اجتماعی و انسانی است که دولتها و مؤسسات خیریه در جهان انجام می دهند.

کارهای اساسی بانک اسلامی

۲ فهرست عملیات اساسی بانک اسلامی:

۲ فهرست عملیات اساسی بانک اسلامی:

۱. پرداخت قرض بدون ربا.

۲. دریافت قرض بدون ربا.

۳. قبول سپرده ها.

۴. مضاربه بانک اسلامی با عاملین بازرگانی.

۵. مضاربه تجار با بانک اسلامی.

۶. بازرگانی.

۷. وکالت در مضاربه.

۸. پرداخت حوالجات.

۹. دریافت حوالجات.

۱۰. رهن.

۱۱. قرضهای عادی.

۱۲. افتتاح اعتبارات بانکی.

۱۳. وامهای صنعتی.

۱۴. معامله سلف روی اسناد.

۱۵. معامله سلف روی اجناس.

۱۶. نقد کردن سفته ها.

۱۷. صرافی پولها.

۱۸. مقاصه.

۱۹. و عملیات دیگر.

بانک اسلامی روی دو اساس ذیل استوار است

۱. اساسی ثابت ۲. اساسی متغیر.

*** اما اساس ثابت بانک اسلامی**

الف بانک اسلامی برای همیشه و به طور جدی هر اندازه هم دشوار باشد ازداد و ستد ربا خودداری می کند.

هنگامی که به کسی وامی بدهد به هیچ وجه برای طرف شرط نمی کند که هنگام پرداخت وام مبلغی اضافه بپردازد. و هنگامی که بانک از کسی وامی گرفت پرداخت چیزی را اضافه بر اصل وام به عهده نمی گیرد. این مطلب امری است ثابت که بانک اسلامی از آن تخلف نخواهد کرد. بله ممکن است بانک هنگام پرداخت وام تحت یک سلسله شرایط شرعی با وام گیرنده شرط اضافه پس دادن بنماید، یا اینکه هنگام دریافت وام از وام دهنده شرط اضافه پس دادن بپذیرد؛ ما خلاصه این نوع داد و ستد را ضمن این فصل بیان داشتیم، اما در این صورت دیگر (قرض) شرائط خود را از دست خواهد داد، و این نوع داد و ستد تابع احکام (قرض الحسنه) نخواهد بود، بلکه این داد و ستد تابع احکام (مضاربه اسلام) و انواع دیگر داد و ستدهای شرعی خواهد بود که در جای خود احکام آن بیان شده است.

ب بانک اسلامی در هر موردی جزئی و کلی از برنامه های اقتصادی اسلام الهام می گیرد، که آخرین و کاملترین سیستم قانونگذاری

آسـمانی است، و از نظر علمی و عملی برتری آن بر تمـامی نظامهـای جهـان ثـابت شـده است، و پیروزترین برنامه ای است که بشریت در طول تجربیات خود از پرتو آن نیکیهای فراوان مشاهده نموده است ...

بنابر این منطق، هر نوع داد و ستدی که در بانکهای امروزی رواج دارد، و با دستورات اسلامی مخالف می باشد بانک اسلامی در برابر آن تسـلیم نخواهـد شـد، و از همـان اول پایه های خود را روی اساس معینی پیاده می کنـد که با این نوع داد و سـتدها مواجه نشود.

و اینک برای توضیح این قسمت به نمونه ذیل توجه فرمائید:

داد و ستد بین طرفین معامله از یکی از این چهار نوع خارج نیست:

نوع اول:

فروشـنده، جنس نقـدی خود را تحویل مشتری بدهـد؛ و مشتری نیز بهای نقد خود را تحویل فروشـنده دهد، این نوع معامله در اصطلاح اقتصاد اسلامی به (فروش نقدی) نامیده می شود، زیرا جنس و بها هر دو نقد است.

نوع دوم:

فروشـنده جنس نقـد خود را تحویل مشتری بدهد، و لیکن مشتری پرداخت بهای جنس را به آینده موکول نماید و این نوع داد و سـتد در اصـطلاح اقتصاد اسـلامی (فروش نسـیه) نامیـده می شود، زیرا بهای جنس در ذمه مشتری است و پس از مدتی داده خواهد شد.

نوع سوم:

مشتری بهای جنس را تحویل فروشـنده بدهـد، ولیکن فروشـنده پرداخت جنس را به مدتی بعد موکول نماید، و این نوع معامله در اصـطلاح اقتصاد اسـلامی (بیع سـلف) نامیـده می شود. زیرا سـلف به معنی پیش خریـد است، و در این معامله مشتری بهای جنس را پیش از دریافت جنس پرداخته است.

نوع چهارم:

نه فروشنده جنس را نقد می دهد، و نه مشتری بهای جنس را نقد

می پردازد، بلکه هر دو با یکدیگر تنها گفتگو می کنن مثل اینکه با هم قرار می گذارند که فروشنده یک ماه دیگر جنس را تحویل دهد، و مشتری هم پس از دو ماه مثلا بهای جنس را بپردازد.

بنابر این آنچه که میان فروشنده و مشتری گذشته است تنها عقد معامله و التزام طرفین است، و این نوع معامله در اصطلاح اقتصاد اسلامی (بیع کالی به کالی) نامیده می شود یعنی: (فروش نسیه به نسیه).

نتیجه گیری:

از این چهار نوع معامله تنها اسلام سه نوع اول آن را قبول دارد، و نوع چهارم را رد می کند.

بنابراین معامله (کالی به کالی) در اسلام درست نیست. روی این حساب:

سفته هائی که تنظیم آن روی واقعیت باشد، و در واقع کسی که سفته می دهد نسبت به کسی که سفته از او می گیرد مدیون باشد (و یک نوع سفته ساختگی نباشد).

اینگونه سفته را در بانک اسلامی می توان نقد کرد، و پول آن را دریافت نمود.

اما این سفته را نمی توان به عنوان نسیه فروخت، به این ترتیب که آن را با مدت معین بفروشند، زیرا این نوع معامله از نوع چهارم است که بیع (کالی به کالی) است، و جایز نیست.

بله سفته های صوری که در واقع دینی در کار نیست و تنها ظاهر سازی است؛ اینگونه سفته ها، همانگونه که می توان آنها را به صورت نقدی فروخت، به صورت نسیه هم می توان آنها را فروخت.

بنابراین در مورد سفته های واقعی بانک اسلامی به کارمندان خود اجازه نمی دهد که اینگونه سفته ها را به صورت نسیه بفروشند، بلکه می توانند این سفته ها را برای مشتریان خود به صورت نقدی معامله کند. و معاملاتی از این قبیل که پیش بیاید بانک اسلامی

یا آن را رد می کند، و یا آن را به صورت مشروعی تبدیل خواهد نمود.

بانک اسلامی، نه بانک بدون ربا

با توجه به اختلافاتی که بانک اسلامی نسبت به بانکهای امروزی دارد، و چند نمونه آن ذکر شد نمی توانیم روی بانک اسلامی (بانک بی ربا) نام بگذاریم، زیرا مورد اختلاف بانک اسلامی با بانکهای امروزی تنها مسئله ربا نیست، بلکه علاوه بر ربا بانکهای امروزی معاملات نامشروع دیگری نیز دارند که اسلام آن نوع معاملات را تجویز نکرده است.

نظر به این جهت بود که ما نام کتاب خود را (بانک اسلامی) گذاشتیم نه (بانک بی ربا).

اما اساس متحول بانک اسلامی:

بانک اسلامی تمامی فعالیتهائی را که دیگر بانکها روزانه و سالیانه انجام می دهند، دارد، و تمام این فعالیت ها را انجام می دهد، اما در تمام این فعالیت های بانک اسلامی یک شرط وجود دارد: که باید این فعالیت از کارهائی باشد که با قوانین اسلامی سازگار باشد، یا یکی از احکام اسلامی شامل آن باشد، و یا مصداق برخی از احکام کلی و مباحی باشد که در شریعت اسلام آمده است.

و در این مورد بر خلاف تصور بعضی ها این ملاحظه در کار نیست که نوع داد و ستد از انواعی باشد که در زمان پیامبر (ص) یا در زمان امامان (ع) رایج بوده است. برای نمونه نظام سفته ها به طور کلی نظامی است تازه که اخیراً با این شکل خاص بوجود آمده است، بانک اسلامی فعالیت در این زمینه را نیز جزء برنامه کار خود قرار می دهد، به استثنای چند بند آن که بر خلاف قوانین اقتصادی اسلام است. گرچه این نظام در عصر اول اسلام با این شکل

وجود نداشته است، اما برخی از عمومات مواد قانون اسلام شامل آن می شود مانند این آیه از قرآن مجید:

(ای کسانی که ایمان آورده اید به قرار خود وفادار باشید).

و این گفتار از فرمایشات پیامبر اسلام: (مسلمانان به شرطهای خود وفا دارند).

همانگونه که اصل (تشکیلات بانکی) در عصرهای اولیه اسلام وجود نداشته است، ولی عمومات آیات قرآن مجید، و روایات سنت پیامبر (ص) شامل آن خواهد شد، و لذا از نظراسلام اساس تشکیلات بانکی جایز است البته با اصلاح قسمتهائی که گفته شد.

و مانند: اسکناسهای رایج که در جهان فعلی ما متداول است مثل تومان، دینار، دلار که در زمان حضرت رسول (ص) وجود نداشت، و در آن عصر پول رایج طلا و نقره یا اجناس دیگری از این قبیل بود که اینگونه پولها خود به خود بی آنکه احتیاج به اعتبارهای دولتی و یا پشتوانه هائی داشته باشد دارای ارزش و نرخ واقعی بود.

با اینکه اسکناس در زمان پیامبر و ائمه (ع) نبوده است، ولی امروزه از نظر اسلام معامله با آن جایز است، و اسکناس با پولهای طلا و نقره قدیم فرقی ندارد؛ زیرا عمومات قوانین اقتصادی اسلامی شامل آن خواهد شد. و بر این منوال بانک اسلامی هر نوع معامله و کاری که موجب استحکام و پیشرفت بنیه ی اقتصادیش باشد انجام می دهد، اما با یک شرط که آن کارها و داد و ستدها مطابق قرآن و سنت باشد. و اینک به نحو اختصار به توضیح قسمتی از کارهای بانک اسلامی می پردازیم، و تفصیل آن را به فرصتهای مناسب دیگر مانند کتاب (بانک اسلامی) برادرم مرجع دینی واگذار می کنم.

۱ وامی که بانک اسلامی می دهد؟

۱ وامی که بانک اسلامی می دهد؟

بانک اسلامی از سرمایه خود همانند بانکهای

دیگر وام می دهـد، تنهـا فرقی که بانـک اسـلامی بـا سایر بانکها دارد آن است که بانک اسـلامی چیزی علاوه بر مبلغی که به عنوان وام داده است از طرف نمی گیرد، همانگونه که پرداخت وام های خود را روی مصالح تشـکیلات بانک اسلامی به افراد می پردازد:

الف از جهت گیرنده وام، بانک اسلامی در مرتبه اول پیش از هر چیز به مشتریان خود وام می دهد، و برخی از افراد که بانک از وجود اسـامی آنـان در لیست هـای خود به منظور تثبیت موقعیت خود بهره برداری می کنـد ماننـد کارمنـدان عـالی رتبه، و افرادی هم از بازرگانان معروف که در آتیه به همکاری آنان نیازمند است، بانک این گونه افراد را روی مصالحی در پرداخت وام مقـدم می دارد، البته سوء تفـاهم نشود معنای این عمل این نیست که بانک به فقراء و افراد بی بضاعت وام نخواهـد داد، نه اصولاـ بانـک برای تقویت اقتصـاد بینوایـان است، ولکن به خـاطر تثبیت موقعیت بانـک و مصـالحی که در بـدو تأسـیس بانک ایجـاب می کنـد این افراد در گرفتن وام بر دیگران مقـدم می افتنـد، تا در اثر رابطه با اینگونه افراد و جلب آنان و حسابهایشان بنیه اقتصادی بانک اسلامی تقویت شده سپس بتواند به فقراء و دیگران وام بدهد.

ب از جهت میزان وام، بانک اسـلامی یکباره نیمی از تمام سرمایه خود را وام نمی دهد، تنها به میزانی وام می دهد که هم کار دیگران را راه بیاندازد و هم کارهای خودش دچار وقفه نشود.

ج از لحاظ زمان وام، بانک اسـلامی وامهای خود را دو ماهه، یا شـش ماهه، یا یکساله یا بیشتر یا کمتر طبق مصالح اجتماعی و اقتصادی خود به مردم می پردازد.

مراجعین بیشتر

برنامه وام

بـدون بهره از طرف بانک اسـلامی موجب خواهـد شـد که افراد بسـیاری مراجعه کننـد قهراً بانک اسـلامی می توانـد از طریق مشـروع از معاملات و مراجعـات بازرگـانی، و حوالجـات؛ و دیگر داد و سـتدهای آنـان خیلی بیشتر از سود نامشـروع ربـا بهره برداری کند.

برای نمـونه: اگر در همین کربلای مقـدس به فرض سه بانـک وجود داشـته باشـد، و فرض کنیم که مراجعین مختلف این سـه بانک سـی هزار نفر باشـد به طور مساوی سـهم هر یک از این سه بانک ده هزار مشتری خواهـد بود، اگر به فرض یکی از این سه بانـک اسـلامی باشـد؛ و از مراجعین خـود ربـا نگیرد، قهراً از میـان این سـی هزار نفر بیست هزار نفر به این بانـک اسـلامی مراجعه خواهند نمود، و به طور حتم استفاده ای که بانک اسلامی از سایر کارها و داد و ستدهای این بیست هزار نفر می برد از استفاد ه ای بانکهای دیگر از داد و ستدها و ربای آن ده هزار نفر دارند بیشتر خواهد بود.

اینکه گفتیم: مراجعین بانـک اسـلامی از دیگر بانکهـا بیشتر خواهـد شـد، برای آن است که بانک اسـلامی کار دیگر بانکها را برای مراجعین خود انجام می دهد و فعالیت ها اقتصادی و بازرگانی مختلف دارد، و هر نوع استفاده ای که مردم از بانک های دیگر دارنـد در این بانـک هم خواهنـد داشت، در مورد وام هم اگر مشتری بانـک یک وقت احتیاج به وام پیـدا کرد چه برای تجارت یا برای رفع احتیاجات ضـروری منزل، بانک اسـلامی بـدون هیـچ نوع اضافی و ربائی به او وام خواهـد داد، ولی همین شخص اگر برای گرفتن وام به سایر بانکها مراجعه می کرد از او ربا می گرفتند.

بانک

اسلامی که گفتیم: در مرتبه اول به مشتریان خود وام می دهد درباره افرادی که با این بانک سرو کار ندارند مانند سایر بانکها رفتار می کند زیرا همین عمل موجب می شود که مشتری های بانک اسلامی هر چه سرمایه و پول دارند از بانکهای رباخوار بیرون کشیده تحویل بانک اسلامی کنند.

سود بیشتر

اما اینکه سود بانک اسلامی از معاملات مختلف مشتری هایش بیشتر از ربائی است که آنها بدهند: برای اینکه اگر میزان سود بانک اسلامی را در سال از معالمات مختلف مشتریانش (از حوالجات، مضاربه، واردات و صادرات، وکالتها، و دیگر داد و ستدها) با استفاده نامشروع ربای بانک را از وامهای مشتریان بسنجیم خواهیم دانست که سود معاملات دیگر چقدر بیشتر از سود ربای مشتریان خواهد بود، و برای اثبات گفتار ما کافی است که افراد مطلع صورت درآمدهای سالیانه بانکهای موجود را ببینند.

برای نمونه اگر فرض کنیم که مشتریان یک بانک ده هزار نفر باشد، بان ربا خوار از ربای وامهای این عده اگر به فرض سالیان یک میلیون تومان سود ببرد، وقتی این عده به بانک اسلامی مراجعه کنند بدون شک سالیانه بانک اسلامی این مبلغ یک میلیون تومان ربا را خسارت خواهد نمود، اما چون بانک اسلامی مشتریانش حداقل دو برابر دیگر بانکها خواهد شد، از معاملات مختلف آن ده هزار نفر اضافی دیگر، سالیانه بیش از یک میلیون تومانی که خسارت نگرفتن ربا داشت سود خواهد برد. ?حکم وامی که از بانک اسلامی گرفته اند:

وامی را که بانک اسلامی به مشتریان خود می دهد معمولا بر دو نوع است:

۱. عده ای این وام را به منظور نیازمندیهای زندگی می گیرند، و قرض کننده پس از مدتی وامی

را که گرفته است تحویل بانک اسلامی خواهد داد، بدون آنکه بانک اسلامی سودی از او مطالبه کند.

۲. اما اگر قرض کننده بخواهد به منظور تجارت از بانک اسلامی وام بگیرد، قهراً از این پول هرچه سود ببرد از نظر حکم شرعی مال خود اوست، اما بانک اسلامی حق دارد که برای تجارت به افراد وام ندهد، بلکه با آنان قرار داد مضاربه منعقد کند، که با پول بانک تجارت کند و هرچه سود تجارت او بود سهمی مشاع از آن سود متعلق به بانک اسلامی باشد. مثلا: بازرگانی می خواهد از خارج جنسی وارد مملکت کند؛ و برای این منظور آمده است که از بانک اسلامی وام بگیرد، بانک اسلامی می تواند به او بگوید: ما این سرمایه را به عنوان قرض به شما نمی دهیم که تمام سودهای آن مربوط به شما باشد. بلکه با شما قرار داد مضاربه می بندیم بدین ترتیب که سرمایه از ما باشد، وارد کردن جنس و فروش آن به عهده شما و هرچه در این بین سود عاید سرمایه شد بین ما به نسبت معینی تقسیم شود (بسته به رضایت طرفین) نصف به نصف؛ یایک سوم و دو سوم، یا یک چهارم و سه چهارم، یا به نسبت کمتر یا بیشتر بنا به رضایت طرفین و مصالح عمومی بانک و شخص بازرگان البته در مورد افراد مختلف نظر بانک اسلامی اختلاف پیدا می کند و همیشه بانک اسلامی دقت می کند که میزان استفاده اش از قرض دادن به شخصی و مضاربه دادن به او کدام یک برای بانک مفید است؛ برخی افرادند که وام دادن به آنان برای بانک اسلامی چندان سودی نخواهد

داشت.

بانک اسلامی با اینگونه افراد قرار داد مضاربه می بندد و تحت عنوان (قرارداد مضاربه) سرمایه به آنان می دهد و طبق رضایت خود و طرف به نسبت معینی از او سود سرمایه را دریافت می کند، و به این گونه افراد به عنوان (قرض) پولی نمی دهد. اما گاهی ممکن است شخصی به بانک اسلامی مراجعه کند و از بانک (وام) بخواهد، که بانک اسلامی از وام دادن به او بیشتر استفاده کند تا مضاربه با او. مانند افراد سرشناسی که بودن نامهای آنان در لیستهای بانک اسلامی موجب رغبت و توجه مردم به سوی بانک خواهد شد، و بدین وسیله عده ای حسابهای خود را از بانکهای دیگر بیرون کشیده به بانک اسلامی منتقل سازند.

یا اینکه مراجعه کننده کسی باشد که معاملاتش در بانکهای رباخوار است، بانک اسلامی به این فرد یک قلم وام می دهد تا او را جلب کند و مشتری خود سازد، تا حسابهای خود را از بانکهای دیگر به بانک اسلامی انتقال دهد، یا افرادی از این قبیل.

بانک اسلامی به اینگونه افراد وام می دهد، و قهراً تمامی سودهای حاصله از این سرمایه مربوط به شخص قرض کننده خواهد بود، و بانک اسلامی از سود او سهمی نخواهد داشت.

۲ وامی که بانک اسلامی می گیرد؟

بانک اسلامی هم از مردم وام می گیرد، ولی به آنان بهره نخواهد داد، و قرضی را که بانک اسلامی از مردم می گیرد میزان و مدت آن را طبق مصالح بانک محدود خواهند کرد. ممکن است برخی افراد تصور کنند که چون بانک اسلامی در مقابل وامهائی که می گیرد به کسی بهره نمی پردازد قهراً کمتر کسانی حاضر می شوند به بانک اسلامی وام بدهند زیرا مردم معمولا اموال خود

را به کسانی قرض می دهند که سودی برای آنان داشته باشد، و به کسانی که تنها اصل سرمایه را به آنان برمی گردانند وام نخواهند داد.

اما این خیال اشتباه است، زیرا اگر توجه بیشتری در وضع بانک اسلامی داشته باشیم خواهیم دانست که این تصور در مورد بانک اسلامی واقعیت ندارد. به جهت آنکه تسهیلات دیگری که بانک اسلامی برای مشتریان خود دارد، موجب خواهد شد که خود به خود اموال خود را در مواقع احتیاج در اختیار بانک اسلامی بگذارند.

و اگر بانک اسلامی هیچ طریق دیگری برای جلب وام های مردم نداشته باشد، همین قرضهای بی ربائی که به آنان می دهد برای جلب وام از آنان کافی است.

زیرا بانک اسلامی می تواند اعلان کند که در درجه اول به کسانی وام بازرگانی خواهد داد که هنگام احتیاج بانک آنها نیز به بانک اسلامی وام بدهند، و این خود بهترین محرک مردم است که در مواقع احتیاج بانک وام در اختیار بانک بگذارند تا از این راه مورد توجه بانک قرار گیرند و بعداً در موقع نیازمندی های تجاری و غیره بتوانند وام بیشتری از بانک اسلامی دریافت کنند. و نیز بانک اسلامی می تواند نسبت عامی برای مشتریان خود تهیه کند و به میزان نسبتی که از مشتریان خود وام می گیرد به همان نسبت هم به آنان وام بدهد، و این نسبت خود، افراد را وادار می کند که در قرض دادن به بانک پیشقدم شوند. یا اینکه بانک برای مشتریانی که می خواهد از آنان وام بگیرد امتیازات بیشتری بر سایر مشتریان تعیین کند، با اینکه داد و ستدهای او را بیشتر بپذیرد و یا وامهائی که به او می دهد

دیرتر از دیگران از او پس بگیرد و از این قبیل تسهیلات و امتیازات که موجب می شود خود مشتری بخاطر اینگونه امتیازات با میل و رغبت به بانک اسلامی وام بپردازد.

همانگونه که بانک اسلامی می تواند برای کسانی که در مواقع لزوم به بانک اسلامی قرض می دهند بدون شرط قبلی جوایز نقدی مخصوص و یا هدایائی در نظر بگیرد که این جوائز و هدایا بیش از میزان ربائی باشد که افراد از وام دادن به بانکهای رباخوار دریافت می کنند، و این نیز خود وسیله دیگری است که افراد را وادار می کند که بخاطر دریافت آنگونه جوائز به بانک اسلامی وام بدهند.

و از این نوع راههای مشروع که گاهی بانکهای دیگر و سایر مؤسسات اقتصادی جهان از آن طریق اقدام می نمایند بنابراین بانک اسلامی با این راه حل ها که اشاره شد و نظایر آن در عین حال که توانسته است به قانون اسلام در منع ربا عمل کند، می تواند چرخ اقتصادی خود را به نحوی که سزاوار است و می خواهد بگرداند، و از طرفی هم مشتریان خود را نیز حفظ کرده، و نسبت به دیگر بانکها بر تعداد مشتریان خود افزوده باشد.

پس از آنکه بانک اسلامی از کسانی وامهائی گرفت، اگر از نظر اقتصادی بخواهد از این سرمایه سودی ببرد، می تواند این سرمایه را به مشتریان دیگر نه به صورت وام، بلکه به عنوان عقد (مضاربه) تحویل دهد، و باطراف خود به نسبت معینی شرط سود از تجارت با این سرمایه نماید.

ولکن این عمل در مورد وامهای تجارتی است که بانک اسلامی به کسانی از بازرگانان می دهد. اما در مورد وامهائی که بانک اسلامی برای رفع نیازمندی های

ضروری زندگی به افراد می دهد، از این وامها انتظار سود داشتن کاری است بر خلاف وجدان و انسانیت، که قبلا در اول کتاب مقداری درباره آن گفتگو شد.

۳ قبول سپرده ها

بانک اسلامی سپرده های مردم را می پذیرد.

سپرده ها عبارتند از اموال و پولهائی که مردم به منظور حفاظت و جلوگیری از اتلاف آنها به عنوان امانت به بانک می سپارند. سپرده ها را می توان به دو نوع تقسیم نمود:

نوع اول: سپرده هائی که پول نیست، مانند سند های ملکی، جواهرات گران قیمت؛ و چیزهائی از این نوع، از اینگونه سپرده ها بانک اسلامی به دو طریق می تواند استفاده کند:

۱. در مقابل نگاهداری این اشیاء بانک اسلامی اجرتی برای خود دریافت نماید.

۲. از اعتبار این اجناس استفاده کند، با اینکه قیمت این اجناس را به موجودی نقدی خود اضافه کند، که قهرا وقتی اعتبار بانک بیشتر شد، بهتر می تواند با سایر بانکهای جهانی معاملات مختلفی انجام دهد؛ زیرا هر اندازه اعتبار بانک بیشتر باشد قدرت بیشتری در اجرای معاملات خواهد داشت.

نوع دوم: سپرده های پولی از پولهائی که در بازارها رواج دارد، مانند (ریال) دینار، لیره، لیره استرلینک و ... اینگونه سپرده ها گرچه بانک اسلامی از نظر شرعی حق دارد در مقابل نگاهداری آنها اجرتی از صاحبان آن مطالبه نماید، ولی از این جهت که دیگر بانکهای موجود در مقابل اینگونه سپرده ها نه تنها چیزی نمی گیرند، بلکه چند درصدی هم به عنوان بهره سپرده ها به حساب آنان اضافه می کنند.

اما وامهای بدون بهره که بانک اسلامی به صاحبان سپرده ها می دهد، و یا جوائزی که برای صاحبان حسابها تعیین خواهد کرد موجب جلب ودیعه ها خواهد شد.

۴ مضاربه بانک اسلامی با مشتریان

۴ مضاربه بانک اسلامی با مشتریان

بانک اسلامی با مشتریان خود مضاربه می نماید، و مقداری سرمایه به آنان می دهد تا با آن تجارت و داد و ستد کنند، و اگر روی هم رفته حساب کنیم، سودی که بانک اسلامی از طریق مضاربه به

دست می آورد بیشتر از سودی است که بانکهای فعلی از طریق ربا بدست می آورند، البته پس از دقت در مطالب ذیل این معنا به خوبی روشن خواهد شد:

۱ بانک اسلامی می تواند با عامل خود شرط کند که در حدود معینی به تجارت معینی اقدام کند. مثلا بانک اسلامی حق دارد سرمایه به عامل خود بدهد، و با او شرط کند که تنها در قسمت طلا یا در قسمت قماش؛ یا در قسمت سیمان یا ... داد و ستد نماید.

و نیز صاحب سرمایه می تواند با عامل خود محدودیتهای دیگری را شرط کند مثلا بانک اسلامی می تواند با عامل خود شرط کند که تنها کالاهای ممالک اسلامی را وارد کند یا شرط کند که تنها در بهار معامله کند نه در پائیز.

و یا آنکه شرط کند که فقط در شرکتهای سهامی سرمایه گذاری کند، یا شرط نماید که به تنهائی خودش تجارت نماید. طبیعی است که بانک اسلامی همانند دیگر بانکها همیشه آگاهی کامل از وضع بازارهای جهانی خواهد داشت و به دنبال سود بیشتری است، و برای عاملان خود در مضاربه و داد و ستدها حدود و چگونگی و خصوصیاتی را که موجب سود بیشتر است قبلاـ تعیین می کند. بنابر این فرمان تجارتهائی که عاملان با سرمایه بانک اسلامی انجام می دهند در دست بانک اسلامی است، و به هر سو که سود بیشتری باشد عامل خود را هدایت می کند؛ در نتیجه بانک اسلامی دارای یک بازرگانی قوی و عالی خواهد شد.

و در عین حال بانک اسلامی بوسیله وامهائی که به منظور تجارت به افراد و مؤسسات می دهد، بازرگانی را در سطح های گوناگونی وسعت داده است.

محدود ساختن وامها

۲

بانک اسلامی می تواند اعلان کند که وامهای بدون ربا را که به افراد می دهد در درجه اول تنها به مشتریان خود می پردازد، یا اینکه میزان وامی که به مشتریان خود می پردازد چندین برابر وامی است که به دیگران خواهد شد، و همین خود موجب می شود که مردم به خاطر وامهای بی بهره بانک اسلامی مشتری این بانک شوند، زیرا بانک اسلامی در سایر معاملات با بانکهای دیگر فرقی ندارد، به اضافه اینکه بانک اسلامی در مواقع احتیاج و فقر و یا مشکلات مالی دیگر که همه گرفتار آن خواهند شد به آنان وامهای بی بهره خواهد داد. با این روش مشتریان بانک اسلامی از بانکهای دیگر خیلی بیشتر خواهد شد. قهرا مضارباتی که بانک اسلامی با مشتریان خود ترتیب می دهد بیش از سایر بانکها بازارهای تجارتی را قبضه خواهد نمود.

سود بیشتر

۳ بدین ترتیب معاملات بانک اسلامی بیشتر خواهد شد، که در نتیجه سود بیشتری هم خواهد داشت، زیرا این یک قانون اقتصادی است که (هرچه سرمایه بیشتر گردش داشته باشد سود آن بیشتر خواهد شد) برای آنکه مشتریان بانک بیش از آنچه به عنوان وام می گیرند معاملات خواهند داشت، چون وامهائی که برای رفع احتیاج گرفته می شود از وامهائی که به منظور تجارت می گیرند کمتر است، به علت آنکه احتیاجات مالی اتفاقی است بر خلاف تجارت و معاملات که همیشگی می باشد.

تقسیم سود مضاربه

۴ در قرارداد مضاربه سود بین صاحب سرمایه (بانک اسلامی) و عامل به نحو مشاع تقسیم خواهد شد، البته بستگی به توافق طرفین دارد، مثلا نیمی از سود سرمایه برای صاحب سرمایه و نیم دیگر برای عامل، یا یک سوم سود برای صاحب سرمایه و دو سوم دیگر برای عامل، یا یک چهارم سود برای صاحب سرمایه و سه چهارم دیگر برای عامل و ... اختیار تقسیم سود به دست هر دو طرف است که پیش از عقد مضاربه با همدیگر قرار می گذارند.

در اینجا دقت اسلام در تشریع قوانین اقتصادی به خوبی روشن خواهد شد، و معلوم می شود که اسلام در تشریع این قانون چقدر دوراندیش بوده است، آری اسلام در تمامی قوانین و دستوراتش اینگونه دقیق و موشکاف است. علت اینکه اسلام سود مضاربه را میزان ثابتی تعیین نکرده، و به رضایت طرفین واگذار نموده است؛ آن است که لیاقت و جربزه افراد به حسب عقل و هوش و درک آنان مختلف است، گاهی ممکن است در یک نفر از این اندازه لیاقت باشد که از سرمایه صد در صد سود بدست آورد،

یا دو برابر سرمایه سود به چنگ آورد، زیرا عقل تجاری و هوش داد و ستد در او سرشار است. و دارای درک فوق العاده و پشت کار بسیار می باشد.

و گاهی یک نفر آنقدر لیاقت ندارد که حتی از سرمایه بیست درصد هم سود بدست آورد، برای آنکه دارای عقلی سطحی و هوشی اندک است، و در کار تنبل است و دارای پشتکار نمی باشد.

همین حالا ـ که مشغول نوشتن بودم، دو نفر از خاطرم گذشت که در یک خانواده و با هم بزرگ شده اند. و با هم تحصیل کرده اند، و سنشان هم به یک اندازه است، ولی یکی از آن دو میلیونر است، و آن دیگری اگر روز، کار نکند شام شب ندارد. با این همه اختلاف که از نظر عقل و هوش و درک بین افراد است، آیا سزاوار بود اسلام حکم کند، که همگی به یک اندازه در سود سرمایه شریک باشند؟

نه خیر!

روی این حساب اسلام سهم طرفین را از سود سرمایه تعیین نکرده است، و سود را بین آنان مشاع قرار داده است، و تعیین میزان سود را به طرفین واگذار نموده که به هر طریق توافق کردند میزان سهم مشاع خود را تعیین کنند.

سود، محصول دو عامل است

۵ در این قسمت نیز نکته مهمی است که با توجه به آن دقت اسلام در قانونگذاری روشن می شود، و نکته در این بود که سود سرمایه باید به نظر طرفین تعیین شود، نه به نظر یک طرف. و علت این موضوع آن است که سود محصول دو عامل است، که هر یک از آن دو مربوط به یکی از دو طرف مضاربه می باشد:

سرمایه که اگر سرمایه نباشد

سودی بدست نمی آید.

کار که اگر فعالیت عامل نباشد عامل نباشـد سودی در بین نخواهد بود. اینک که سود محصولی است از دو طرف، باید هر یک از این دو و حق داشته باشند با توافق طرف برای خود چه مقدار سود در نظر بگیرند.

و همین ازادی باعث می شود که در اینگونه معاملات بیش از ربا سود بدست آید.

زیرا عامل توجه دارد مقدار سودی که به او خواهند داد بستگی به کار و فعالیت بازرگانی بیشتر او دارد، قهرا بر کوشش خود خواهد افزود، و فکر خود را بیشتر بکار بسته با دقت و کوشش بیشتری بکار خواهد پرداخت تا سود بیشتری بدست آورد.و از طرفی بانک اسلامی به نوبه خود سعی می نماید که عاملین هوشیار و نیرومندی را برای خود انتخاب کند تا از پرتو آنان سودی بیشتری بدست آورد.

اما ربا فاقد این محسنات است، زیرا مقدار سود در ربا معلوم است، بنابر این بانک اگر از طریق ربا معامله کند دیگر در فکر انتخاب افراد هوشیار و فعال نیست، تا در نتیجه افراد تنبل و کودن وادار به فعالیت و کوشش بیشتری شوند. زیرا سود ربا ثابت و تضمین شده است، چه سرمایه بانک در دست افراد فعال بیفتد یا در دست افراد تنبل.

و از طرفی اگر سهمیه عامل از سود تجارت مقدار مشاع از سود نبود، عامل نیروی خود را بکار نمی انداخت، زیرا هر چه بیشتر بکوشد سودش ثابت است. و شاید این ماده از قوانین اقتصادی اسلام در باب مضاربه از مهمترین مواد در اقتصاد جهان باشد، و این ماده عبارت بود از اینکه: (باید میزان سود طرفین میان بانک اسلامی و عامل بازرگانی

به حسب اختلاف افراد و بازارها طبق توافق طرفین باشد).

ما این قسمت را در اصل کتاب (اقتصاد) ضمن برخی از فصلها با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار داده ایم.

سود مضاربه بیش از ربا است

مضاربه دارای سودی بیشتر از ربا است، پس از آنکه به نکات ذیل توجه کنیم؛ این معنا برای ما روشن خواهد شد:

نکته اول: سود بازرگانی اغلب بین ۲۰٪ و بیشتر از آن است؛ اگر دفاتر محاسباتی بازرگانان را ملاحظه کنیم؛ و یا به دفاتر شرکتها و دیگر مؤسسات اقتصادی نظر کنیم خواهیم دید که ۶۰٪ از معاملات یا بیشتر از آن بیش از ۲۰٪ سود برده است. برای اینکه در این نکته بیشتر دقت کرده باشیم می توانیم به یک نفر از بازرگانانی که می شناسیم مراجعه کنیم و دفاتر او را ببینیم، یا از او در این باره جویا شویم.

نکته دوم: تجارت به هر اندازه ای که از آزادی برخوردار باشد؛ به همان میزان از سود بیشتری برخوردار خواهد شد، و روی همین حساب ممالکی که قیود تجارتی در آن کمتر است، بازرگانان آنجا سود بیشتری خواهند برد، زیرا این یک قانون مسلم بازرگانی است: (هر اندازه سرمایه بیشتر گردش کند سود آن بیشتر خواهد بود).

همین تازگی برای ما نقل کردند که شخصی فقیر توانسته است در کشوری که بازرگانی در آنجا نسبتا آزادی بیشتری دارد، در ظرف مدت پانزده سال خود را از فقر نجات داده میلیونر شود. در صورتی که اگر این شخص در کشوری بود که از آزادی بازرگانی برخوردار نیست، امکان نداشت یکباره این اندازه ترقی کند.

نکته سوم: شکی نیست که آزادیهای دیگر هم در ازدیاد سود بازرگانی تاثیر فراوان دارد.

برای نمونه آزادی در سفر

و اقامت موجب می شود که بازرگان برای بدست آوردن سود، بیشتر دستش باز باشد تاجر که از این لحاظ آزاد باشد هر وقت بخواهد می تواند مسافرت کند، و به هر جا که بخواهد می تواند برود؛ و در هر نقطه که بخواهد می تواند هر اندازه که لازم باشد توقف نماید. در حالی که تاجر مقید که محدود در سفر یا در اقامت است نمی تواند به اختیار خود سفر برود، و یا در مکانی به اختیار خود اقامت نماید؛ این تاجر قهرا با این محدودیتها نمی تواند به اندازه تاجر آزاد سود بدست آورد.

و همچنین آزادی دو نوع معامله مانند خریداری زمین، خانه، بستان، و آزادی ساختمان، یا کشاورزی در زمین و دیگر آزادیهائی که خداوند به انسان عطا فرموده است، بدون شک این آزادیها موجب می شود که از تجارتها سود بیشتری بدست آید.

نتیجه:

با توجه به این سه نکته می توانیم ثابت کنیم که از راه مضاربه که یکی از معاملات اسلامی است انسان می تواند بهترین سود را بدست آورد، زیرا انسان در پرتو اسلام از هر نوع آزادی در تمامی قسمتهای بازرگانی برخوردار خواهد بود، علاوه بر قسمت بازرگانی اسلام به پیروان خود در تمام شئون فردی و اجتماعی زندگی هم آزادی داده، که این آزادیها خود در سود بدست آمدن سود سهم بسزائی دارد.

اگر فرض کنیم که ۶۰٪ از تجارت های دیگر ۲۰٪ سود دارد، شاید بتوانیم بگوییم که مضاربه در پرتو اسلام مانند هر تجارت دیگر اسلامی اکثراً ۸۰٪ یا بیشتر سود خواهد داشت.

۵ مضاربه بازرگانان با بانک اسلامی

بازرگانان و افراد سرمایه دار هم می توانند با بانک اسلامی مضاربه کنند، بانک اسلامی از آنان سرمایه می گیرد تا با آن تجارت

کنـد،و سود آن بین تاجر و بانک مشاع خواهـد شد، نصف به نصف یا یک سوم و دو سوم یا بیشتر یا کمتر، طبق قراردادی که بین سـرمایه دار و بانک اسـلامی بسـته خواهـد شـد. این نیز برای بانک اسـلامی وسـیله بـدست آوردن سودهائی خواهـد شـد، همانگونه که در فصل سابق تحت عنوان (مضاربه بانک اسلامی با مشتریان) بیان گردید.

۶ تجارت با سرمایه

بانک اسـلامی مقـداری از سـرمایه خود را همیشه برای بدست آوردن سودهائی در تجارت گردش می دهد، و نتیجه این عمل سه امر اقصادی مهم خواهد بود:

اول: همیشه بانـک اسـلامی سود بـدست می آورد، زیرا سـرمایه اش در بانـک های مختلف، و شـرکتهای گوناگون به گردش خواهـد افتـاد، و هر انـدازه که گردش سـرمایه بیشتر شـد سود آن بیشتر خواهـد شـد، همانگونه که در بحثهای گذشـته گفتیم. علاوه بر این سودهای مـدام که بانک اسـلامی بـدست می آورد، همه ساله به اصل سـرمایه افزوده خواهد شد، و مرتب اقتصاد بانک پیشرفت خواهد نمود.

دوم: بـاز کردن اعتبارهـائی در بانـک هـای جهـانی، و این مسـئله از نظر اقتصـادی بسـیار مهم است، زیرا بانک اسـلامی در اثر معاملا‌تی که بـا سـایر بانکهـای جهان خواهـد داشت، در تمامی بانکها دارای اعتبار بازرگانی شـده برای تجارت، و واردات و صادرات، به هر طریق و به هر جای عالم که بخواهد دست پیدا می کند.

سـوم: بانـک اسـلامی بـدین وسـیله می توانـد از هر کشوری سود بازرگـانی بـدست آورد، زیرا هر بـانکی به هر انـدازه که در بانکهای دیگر اعتبار داشـته باشـد و با اعتباراتش معامله انجام دهـد، به همان نسـبت از سود بیشتری برخوردار خواهد شد، زیرا بانک اسلامی می تواند در ممالکی که اعتبار بانکی دارد بوسیله این بانکها

حواله بدهـد، و حواله بگیرد، و نیز از همین طریق به آن کشورها جنس صادر کنـد؛ و از آن کشورها جنس وارد کند، و از این راه سرمایه ی بانک اسلامی در بازارهای بازرگانی جهان به گردش افتاده موجب سود هرچه بیشتری برای بانک خواهد شد.

۷ نمایندگی در مضاربه

بانـک اسـلامی گـاهی هم در مضـاربه بین سـرمایه داران و عاملان نقش نماینـدگی را ایفا می کنـد، و نماینـدگی بانک به دو شکل انجام می گیرد:

۱. بانک از طرف صاحبان سـرمایه و تجار وکالت داشته باشد که سرمایه های آنان را تحت عنوان: (قرارداد مضاربه) به عاملین بازرگانی بدهد، با عامل قرارداد کند که سود سرمایه، او و صاحب سرمایه به نسبت معینی مشاع باشد.

۲. بانـک اسـلامی از طرف عاملین وکالت داشـته باشـد که از صاحبان سـرمایه و بازرگانان برای آنان به طریق مضاربه سـرمایه تهیه نماید، و سود سرمایه نیز میان عاملین و صاحبان سرمایه به نسبت معینی مشاع باشد.

از طرفی سـرمایه دارانی هستند که میل دارند با عاملین بازرگانی مضاربه کنند، ولکن از درجات عقل و هوش عاملان و نیروی آنـان خبر ندارنـد؛ لـذا سـرمایه خود را در اختیـار بانـک اسـلامی قرار می دهـد، تـا برای آنـان عاملین بهتری را که در تجارت مهارت بیشتری داشته باشند پیدا کند، تا برای آنان تجارت کنند، و سود سرمایه را بین خود تقسیم کنند.

و از آن جهت که بانک اسلامی عاملین را خوب می شناسد و با آنان معاملات بسیاری کرده است، عقل و هوش و نیروی آنان را قبلا سنجیده است.

ازطرف دیگر عاملینی هسـتند که آمادگی فعالیت در عقـد مضاربه دارنـد؛ ولکن نمی دانند کدام سـرمایه دار آمادگی مضاربه دارد؛ لذا به بانک اسلامی مراجعه

می کنند تا برای آنان افراد ثروتمندی پیدا کند که مایل به مضاربه باشند. واسطه گری بانک میان صاحبان سرمایه و عامل به یکی از این دو قسم خواهد بود.

قسم اول آنکه بانک اسلامی تنها میان صاحب سرمایه و عامل رابط باشد، و برای هر یک از دو طرف میزان اعتماد خود را به طرف دیگر بیان کند، و بی آنکه بانک اسلامی در قرار داد آنان دخالتی داشته باشد سرمایه دار و عامل قرارداد مضاربه را می بندند.

قسم دوم آنکه بانک اسلامی از طرف هر دو یا یک طرف وکیل مختار باشد، و عقد مضاربه را به عنوان وکالت از آنان با شرائط و قیدهائی که خود صلاح می داند اجرا کند. بانک اسلامی حق دارد با سرمایه داران یا عاملین، در مقابل واسطه گری خود شرط سودی بنماید. و بانک می تواند این سود را میزان معینی شرط کند.

بنابراین بانک اسلامی به عنوان حق وکالت یا واسطه گری می تواند ۱ ٪ یا بیشتر از صاحبان سرمایه و ۱٪ یا بیشتر از عاملین برای خود شرط کند.

و نیز بانک اسلامی می تواند سود خود را میزان مشاعی از سود سرمایه قرار دهد.

بنابراین قرارداد می کند: در مقابل وکالتی که انجام می دهد از صاحب سرمایه و عامل ۲٪ از مجموع سود سرمایه یا بیشتر یا کمتر متعلق به بانک اسلامی باشد. البته همه این قراردادها طبق توافق بانک اسلامی با صاحب سرمایه و عامل انجام خواهد گرفت.

۸ ارسال حواله جات

یکی از کارهای بانک اسلامی ارسال حوالجات است. بانک اسلامی پولها و ثروتهائی را از محل خود می گیرد؛ و به شهرها و یا ممالک دیگر می فرستد، البته با مشخصات مورد نظر که از نظر زمان

چه وقتی پرداخت شود؟ آیا تمام پول را یکباره تحویل طرف بدهـد یا چند مرتبه؟ در مواقع معینی پرداخت شود و یا در اوقات غیر معین؟ و نیز برای صاحبـان سـرمایه در کشورهـای دیگر اعتبـار بـانکی بـاز می کنـد، یا برای صاحب سـرمایه که با دیگری حساب قبلی داشـته است تصـفیه حساب کنـد، یا از صاحب پول هـدیه ای برای طرفش حواله دهد؛ یا به عنوان کادو و سوغات برای دوستان مشتری خود حواله بفرستد، یا برای خویشاوندان او حواله ای بفرستد و از این قبیل حوالجات.

همه این حواله هـا از نظر اسـلام بی مـانع است (امـا به شـرط آنکه این حوالجـات مربوط به معالمـات ربوی یا کالی به کالی و دیگر معاملات حرام نباشد).

و برای بانک اسلامی جایز است که در مقابل اینگونه حوالجات برای خود سودی در نظر بگیرد، و این سود برای بانک مشروع است، زیرا در مقابـل عملی که انجام می دهـد، پول می گیرد؛ و از نظر اسـلام کار محترم است، و جایز است کار با پول مبادله شود.

و نیز بانک اسلامی می تواند قرارداد کند که سود خود را از حواله دهنده، یا گیرنده حواله،یا بانکی که به وسیله او حواله شده است بگیرد.

چه آنکه این بانـک بانـک اصـلی و مسـتقل باشـد، یا و چه شـعبه ای از یک بانک باشـد. و چه آنکه هر دو بانک شـعبه بانک دیگری باشند. یا صورتهای دیگری که در این مورد تصور می شود.

۹ پذیرفتن حوالجات وارده

و نیز بانک اسلامی حوالجات وارده را می پذیرد، چه آنکه حواله از بانکهای دیگری باشد، یا از افرادی باشد که اگر در بانک اسلامی موجودی ندارند، مورد اعتماد باشند. اینجا نیز بانک اسلامی حق دارد در مقابل

کار خود سودی مطالبه کند، و می تواند کارمزد خود را به حساب حواله دهنده بگذارد، یا از گیرنده حواله بگیرد، یا بین دو طرف تقسیم کند. بقیه مطالب همانگونه است که در فصل گذشته تفصیل داده شد.

۱۰ رهن

معاملات رهنی بانک اسلامی در دو بخش انجام خواهد گرفت:

۱ رهن دادن: بدین ترتیب که بانک اسلامی در مواقعی که احتیاج دارد، اموال و اجناسی را که دارد در مقابل مبلغی پول نزد افرادی به عنوان و ثیقه می گذارد. این عمل را بانک اسلامی در صورتی انجام می دهد که بخواهد کار مشتریان خود را راه بیاندازد؛ یا سطح موجودی خود را بالا ـ ببرد، یا به خاطر هدفهای دیگری که گاهی ممکن است بانک به پولهای بیشتری نیازمند باشد.

بانک اسلامی می تواند املاک خصوصی خود را که مالک آنها است رهن بدهد؛ و نیز می تواند از املاک و اجناسی که دیگران به عنوان رهن در بانک اسلامی دارند رهن بدهد، اما به شرطی که قبلا با صاحبان این اموال شرط کرده باشد که به عنوان رهن در اموالشان تصرف کند؛ و نیز اجناسی که از دیگران به عنوان امانت در بانک اسلامی موجود است در صورت رضایت صاحبانش بانک می تواند آنها را نیز رهن بدهد.

۲ رهن گرفتن: بدین ترتیب که بانک اسلامی از مشتریان خود املاک و اموالشان را در مقابل مبلغی پول که به آنان می دهد رهن می گیرد.

بانک اسلامی با اینگونه افراد که مراجعه می کنند حق دارد شرط کند که در طول مدت رهن در اموالشان تصرف نماید، و این شرط برای بانک اسلامی چند فایده دارد.

الف. طبق معمول قیمت املاکی که نزد بانک رهن می گذارند بیشتر از مبلغی

است که بانک به آنان می دهـد، مثلا بانک مبلغ بیست هزار تومان به طرف می پردازد، اما از او معمولا ساختمانی به رهن می گیرد که قیمت آن صـد هزار تومـان می باشـد، بنابراین بانک اسـلامی این خانه را به موجودی خود اضافه می نمایـد، و قهراً با این عمل موجودی بانک بالا رفته، و در نتیجه میزان اعتبار بانک در عالم اقتصاد بیشتر خواهـد شـد. روی این حساب در معامله فوق از طرفی بیست هزار تومـان از موجودی بانـک اسـلامی کسـر شـده، اما از طرف دیگر صـد هزار تومان بر موجودی بانک افزوده شده است.

ب. بانک اسـلامی با صاحب خانه شرط می نماید که حق داشته باشد در خانه تصرف نماید، به دنبال این شرط، بانک اسلامی خانه مزبور را اجاره می دهد، و مال الاجاره خانه برای بانک اسلامی خود سود قابل توجه دیگری است.

ج. با انجام معالمات رهنی بانک اسلامی برای خود مشتریان جدیدی به دست می آورد، و این خود سود سومی است.

۱۱ وامهای معمولی

این بحث همـان بحثی بود که قبلا در ابتـدای کتاب تحت عنوان (وام بی بهره) درباره آن گفتگوئی شـد، اما آنچه که در اینجا می خواهیم بدان اشاره نمائیم، علاوه بر مطالب گذشته فرقهائی است که میان بانک اسلامی و دیگر بانکها وجود دارد:

بانک اسـلامی هنگامی که وامهائی معمولی نه تجارتی به فردی محتاج می دهد، این وام را بر اساس (قرض الحسنه اسامی) می پردازد که در مقابـل آن به غیر از رضـایت الهی نظری دیگر در بین نیست؛ زیرا وظیفه هر انسـانی است که هنگام نیازمنـدی به برادر خود به هر طریق که می تواند یاری دهد. بنابراین وامهای معمولی در بانک اسلامی منحصر به مشتریان

خودش نیست، بر عکس بانکهای موجود که هر نوع وامی را تنها به مشتریان خود خواهند داد. پس بانک اسلامی همانگونه که وامهای معمولی را به مشتریان خود می دهد، بدون هیچ گونه تفاوتی به دیگران هم وام خواهد داد. اما بانکهای موجود تنها به مشتریان خود وام می دهند، و افراد دیگر هرچند هم که نیازمند باشند از وام آنها بهرمند نخواهند شد. بله بدون شک وامهای معمولی در بانک اسلامی بی حد و مرز و بی حساب نخواهد بود، بلکه به خاطر وضع مالی بانک این وامها از نظر اندازه آن؛ و شخصیت گیرنده وام، و میزان صلاحیت او مورد مطالعه قرار می گیرد. همانگونه که همه این ملاحظات در بانکهای فعلی خواهد شد. و بانکهای امروزی (وامهای معمولی) خود را که تنها به مشتریان خود می پردازد؛ درباره مقدار وام، و شخصیت گیرنده وام، و میزان صلاحیت او مطالعه خواهد نمود، و به خاطر وضع مالی بانک و هدف استثماری خود هم این وامها را می پردازند. روی این حساب فرقی که بین بانک اسلامی و دیگر بانکهای معاصر موجود است، آن است که بانک اسلامی (وامهای معمولی) را بر اساس انسانیت، و برادری و نوع دوستی می پردازد. در حالی که بانکهای معاصر بر اساس اقتصاد محض، و تنها به خاطر سود مادی، دور از مفهوم انسانیت به طرف خود وام می دهد.

۱۲ باز کردن اعتبار

(کردیت)

باز کردن اعتبار بدین طریق است که بانک اسلامی مقدار معینی پول را در ظرف مدّتی معین شش ماه، یکسال، کمتر یا بیشتر، در اختیار مشتری خود یا هر کسی که برایش اعتبار باز می کند بگذارد.

مشتری که اعتبار برای او باز شده حق دارد این

مبلغ را یکبار یا در زمانهای متعدد چندین بار از بانک بگیرد. البته این قبیل اعتبارها (و کردیت ها) در بانک اسلامی برای کسانی باز می شود که در بانک موجودی ندارد، اما از طرف کسی که در بانک موجودی دارد برای این شخص اقدام به گرفتن اعتبار بانکی شده است، مثلا کسی که بیست هزار تومان موجودی در بانک دارد، برای دوست خودش ده هزار تومان اعتبار باز می کند. یا اینکه باز کننده اعتبار از افراد سرشناسی باشد که بانک از عنوان و شخصیت او استفاده می کند، یا اینکه رابطه او و بودن نامش در لیست مشتریان بانک اسلامی سبب جلب مشتریان دیگری برای بانک خواهد شد، مثل آنکه شخص مزبور یکی از علمای بزرگ باشد، یا از حکّام و فرمانروایان و متنفذین محل باشد، و از این قبیل افراد.

یا اینکه خود دارای موجودی است اما نمی خواهد از موجودی خود برداشت کند، زیرا معاملات دیگری را دارد که روی آن موجودی انجام داده است؛ یا بخاطر کسب اعتبار در بانکهای دیگر در بانک اسلامی اعتبار باز می کند، تا بتواند بدین وسیله در بانکهای دیگر هم اعتبار بانکی درست کند، و یا بخاطر علتهای مختلف دیگری که از نظر نظام بانکی معلوم است. بانک اسلامی در تمامی اینگونه حالات برای افراد معین در مدتهای تعیین شده اعتبار باز می کند.

سود این اعتبارات:

در اینجا یک پرسش خود نمائی می کند و آن اینکه: آیا برای بانک اسلامی درست است از کسانی که برای آنان اعتبار داده است در مقابل عملیات خود چیزی به عنوان سود نقدی و بهره مطالبه نماید، و این سود از نظر شرعی (ربا) است و حرام

خواهد بود؟

پاسخ این پرسش:

فرض فائده نقدی چهار صورت دارد:

صورت اول: اینکه بانک اسلامی شخصی را که برایش اعتبار باز کرده است ملزم نماید که در مقابل هر اندازه پول که از بانک می گیرد به میزان چند درصد همیشه به بانک اضافه بپردازد.

اگر شخصی اعتبار ده هزار تومان باز کرد، اگر در یک مرحله دو هزار تومان از آن برداشت کرده، مثلا بانک از او صد تومان سود بگیرد؛ و اگر چهار هزار تومان از اعتبار خود استفاده کرد باید دویست تومان بدهد، و اگر شش هزار تومان برداشت نمود باید سیصد تومان به عنوان سود تحویل بانک بدهد، و اگر تا پایان مدت تعیین شده چیزی از حساب اعتبار خود برداشت نکرد چیزی بدهکار نمی باشد ...

سودهای این صورت (ربا) است و داخل در عموم این آیه قرآنی خواهد بود:

(ای کسانی که ایمان دارید ربا نخورید)

معلوم است که اینگونه سودها حرام است و نباید به آن نزدیک شد.

صورت دوم: آنکه در مقابل عملیات باز کردن اعتبار سودی به بانک پرداخت شود. مثلا: بانک اسلامی برای مشتری خودش یک اعتبار ده هزار تومانی بازکرده است. این عمل بدین معنی است که بانک اسلامی مبلغ ده هزار تومان از موجودی خود را به خاطر این مشتری راکد گذاشته است، نه آنرا به کسی فرض می دهد، و نه با آن معامله ای انجام می دهد، برای آنکه هر وقت مشتری بخواهد می تواند آن مبلغ را برداشت نماید. بنابراین بانک اسلامی در برابر راکد گذاشتن این مبلغ ده هزار تومان مثلا پانصد تومان برای خود اضافه کند چه مشتری تمام این پول را برداشت نماید، یا قسمتی از آن را برداشت نماید،

و یا اصلا به آن دست نزند. به طوری که اگر مدت تعیین شده که مشتری در ظرف آن مدت حق برداشت دارد گذشت اما مشتری از آن مبلغ چیزی برداشت نکرده باشد، باز هم ملزم است که پانصد تومان را بپردازد. و نیز اگر مدت مزبور تمام شود و مشتری مقداری از آن مبلغ را برداشته باشد، باز هم ملزم به پرداخت پانصد تومان است. و اگر مدت سرآمده باشد و مشتری تمام مبلغ را برداشته باشد. باز ملزم است که پانصد تومان را بپردازد. اینگونه زیاده روی به ظاره داخل در (ربا) نیست، قهراً آیه شریفه شامل آن نخواهد شد. زیرا ربا عبارت است از زیاده ای اضافه بر سرمایه. و این مبلغ زیاده ای است که در مقابل عمل و کار بانک است. و کاری هم که بانک در این مورد انجام داده است باز کردن حساب اعتبار و راکد گذاشتن مبلغ ده هزار تومان و احتکار آن به خاطر مشتری خود می باشد. پس به خاطر این احتکار و راکد ساختن آن پول چه مشتری از اعتبار استفاده کند؛ و چه استفاده نکند، سودی برای بانک منظور شده است ...

و این نوع معامله را در حقیقت نمی توان ربح و فایده نامید، زیرا گاهی ممکن است اصلا مشتری پولی برداشت نکند، اما باز هم طبق قرارداد ملزم به پرداخت پانصد تومان می باشد ... وقتی که مشتری برداشتی نکند این پانصد تومان ربح چه چیز و سود کدام سرمایه خواهد شد تا ربا شود؟ بنابراین ظاهرا اینگونه فائده برای بانک جایز باشد.

صورت سوم: در مواردی که مشتری منظورش از باز کردن اعتبار در بانک اسلامی، کسب

اعتبـار باشـد که به وسـیله آن بتوانـد در بانکهـای دیگری که او را نمی شـناسد اعتبارهـائی باز کنـد، و آن بانکها تا مشتری در بانک معتبر دیگری اعتبار نداشـته باشـد برای او حساب باز نمی کننـد. در این صورت مشتری نمی خواهـد به وسـیله باز کردن اعتبار در بانک پولی برداشت کنـد. تنها می خواهـد برای خود اعتباری داشـته باشد که به وسـیله آن با دیگر بانکها داد و سـتد نمایـد. در چنین صورتی اگر بانـک اسـلامی در مقابل باز کردن اعتباری برای او مقـدار معینی پول بگیرد (ربا) نخواهـد بود. و این سـود برای بانـك اسـلامی پـاك و حلاـل است زیرا طبـق توافـق و الـتزام طرف میزان وجه و زمـان و چگونگی آن و دیگر مشـخصات تعیین می گردد. و حکم این صـورت و صـورت دوم داخـل در گفتـار حضـرت رسـول (ص) است در این حـدیث شریف: (مسلمانان ملزم به وفای شرطهای خود می باشند)

بنابراین بانک اسلامی می تواند اقدام به افتتاح حساب های اعتبار برای افراد نماید، و اگر بخواهد می تواند مبلغی هم در مقابل عمل خود از آنان بگیرد، و مطابق صورت دوم؛ یا سوم رفتار نماید. اما حق ندارد مطابق صورت اول چیزی از طرف بگیرد.

صورت چهارم: هنگامی که طرف مقـداری پول نقـد خود را به حساب بگذارد، تا بانک به همان مقدار برای او اعتبار باز کند. در این صورت مسئله داخـل در قسم (قبول سپرده هـا) خواهـد شـد که قبلاـ دربـاره آن بحث شـد، و حکـم آن نیز حکم همان (سپرده ها) است؛ به صفحه ۱۵ رجوع شود.

۱۳ وامهای صنعتی

۱۳ وامهای صنعتی

عبارت است از آنکه بانک به برخی از افراد مبالغ هنگفتی با مدتهای طولانی می دهد (ده سال، پانزده سال و ...

) تا مؤسسات اجتماعی؛ صنعتی، کشاورزی یا آبادانی تأسیس کنند؛ و یا با آن مؤسسات موجودی را توسعه دهند ...

در اصطلاح بانکی به این نوع مساعده ها (وامهای صنعتی) گفته می شود، ولی این نوع مساعده ها مخصوص قسمتهای صنعتی نیست، بلکه شامل انواع و اقسام مؤسسات اقتصادی می شود که دارای درآمدهائی می باشند، چه آنکه این مؤسسات صنعتی باشند یا غیر صنعتی ...

افرادی که می خواهند مؤسساتی را تأسیس نمایند، یا در آنها توسعه ای ایجاد کنند، و برای این منظور بودجه هائی که با آن بتوانند اقدام نمایند در اختیار ندارند، قرار وامهای طویل المده ای با بانکها می گذارند؛ و بعداً هم از سودی هائی که می برند قرضهای خود را پرداخت می نمایند. و معمولا بانکهای کارگشائی متصدی اینگونه مساعده ها خواهد شد. بانک اسلامی از نظر شرع می تواند مانند سایر بانکها به این عمل اقدام نماید. اما بانک اسلامی با سایر بانکهای فعلی در اینگونه کارها فرقش آن است که (ربا) و زیاده ای در مقابل وامی که به این گونه مؤسسات می دهد نخواهد گرفت، و از نظر بانک اسلامی وامی که به این صورت به مؤسسات می دهند جزء (قرض) است که در قرض ربا گرفتن حرام می باشد. بنابراین راه حل این مشکل چگونه است؟

که بانك اسلامی هم به صاحبان مؤسسات وام بدهد، و هم از سود مشروعی در مقابل این وام برخوردار باشد، تا بتواند به افراد نیازمند وامهای بلاعوض بپردازد؟

راه حل

بهترین راه در این مورد آن است که بانک اسلامی کاری کند تا از طریقی که (ربا) نیست در مقابل اینگونه مساعده سود مشروعی بدست آورد، و راهش این است که:

بانک اسلامی در این مورد با صاحبان مؤسسات قرارداد مضاربه منعقد

نماید، بدین ترتیب که سرمایه از بانک و کار از مؤسسه مزبور، و سود حاصله میان طرفین به نسبت هر یک چند درصد مشاع باشد، البته در مورد سود باید طبق قرارداد و توافق تعیین کنند نصف به نصف؛ یا یک سوم و دو سوم یا یک چهارم و سه چهارم، یا بیشتر و یا کمتر. این عمل موجب جلب سود بیش از حد معمول خواهد شد، زیرا هر اندازه عامل بیشتر کوشش کند، و در کار خود بیشتر به خرج دهد، به همان نسبت سود بیشتر خواهد برد، و در این معامله عامل به دیر و زود شدن نمی دهد تنها می کوشد که بهتر کار کند، قهراً به انتظار سود بیشتر کوشش بیشتری خواهد نمود. علاوه بر این اینگونه سودها معمولا بیشتر از ربا خواهد بود، زیرا سود ربا اگر به فرض ۱۰٪ باشد، سود مضاربه اکثرا بیش از ۱۰٪ خواهد بود. قبلا تحت عنوان (مضاربه بانک اسلامی با مشتریان) درباره این راه حل بحث شد، و در کتاب اصلی (اقتصاد) هم مقدار دیگری در این باره بحث کرده ایم.

۱۴ پرداخت وام در مقابل اسناد

گاهی افراد احتیاج به پولی پیدا می کنند، و قدرت تهیه آن را ندارند، اسناد و اوراق بهاداری که دارند همراه خود به بانک اسلامی می برند، و اسناد خود را در بانک گرو گذاشته، در مقابل آن پولی را که لازم دارند می گیرند. در اینگونه موارد طبعاً بانک اسلامی باید کاملا احتیاط به خرج دهد، تا از اینگونه اسناد و اوراق مطمئن شود، و بعداً طوری نباشد که ارزش این اسناد کاهش پیدا کند، یا آنکه به طور کلی از مالیت بیفتد، که در نتیجه از این

راه به بانـک اسـلامی خسـارت وارد شود در این مورد بانک اسـلامیماننـد سایر بانکها شـرائط و پیشـگیریهای لازم را معمول خواهد داشت. فرقی که بین بانک اسلامی و دیگر بانکها در این کار موجود است همان مسئله (ربا) است که بانکهای امروزی صاحبان اسـناد را ملزم می نمایند چند درصد سود به عنوان ربای این وام بپردازند. در حالی که بانک اسلامی این معامله را در قسم (رهن) داخـل می نمایـد، که در رهن به هیـچ وجه گرفتن ربـا در مقابـل وام رهنی جـایز نیست. قبلاـ ما در این باره تحت عنوان (رهن) بحث نموده ایم برای تکمیل این بحث به صفحه ۲۱ مراجعه فرمائید.

۱۵ پرداخت وام در مقابل کالا

بـدین ترتیب که بانک اسـلامی وجوه نقـدی به افرادی می دهد؛ و در مقابل به عنوان رهن و یا وثیقه اجناسـی را که رد و بدل آن آسان است تحویل می گیرد مانند: (طلا) (مروارید) (الماس) و از این نوع جواهرات. قهراً همانگونه که رسم بانکهای دیگر است بانک اسـلامی هم می تواند به طرف خود شـرط نماید که قیمت این اجناس بیشتر از مبلغی که در مقابل آن پرداخت می نماید باشد، و در بانکهای موجود معمول است که ۷۰٪ یا ۷۵٪ از قیمت جنس بیشتر به طرف، وام نمی دهند. و فایده کم بودن مبلغ وام از قیمت جنس معلوم است زیرا همین خود گاهی سبب خواهد شد که وام گیرنده پول را زودتر برگرداند. تا از ماندن جنسـش که قیمت بیشتری دارد زیان نبرد. و نیز میان بانک و طرف حسابش یک نوع اعتماد بدین وسـیله خواهد بود. و در این معامله برای مشتری و برای خود بانک سود دو جانبه ای وجود دارد. اما

برای مشتری زیرا در حالی که می خواهد فروش جنس خود را تأخیر بیاندازد تا قیمت آن بیشتر شود آن را نزد بانک می گذارد و مبلغ پولی را که لازم دارد در مقابل آن جنس از بانک دریافت می کند، و گاهی هم ممکن است طلاجات و جواهرات از لوازم زندگی او باشد که نمی خواهد آنها را بفروشد، آنها را در بانک می گذارد و مبلغ مورد نیاز خود را می گیرد. اما بانک اسلامی از سود آن پولی که به صاحب جنس داده است به نحو مشاع در قرارداد مضاربه استفاده می کند، از طرفی هم این اجناس را جزء موجودی خود در آورده و بدین وسیله میزان موجودی خود را بالا می برد، زیرا گفتیم که: قیمت این اجناس معمولاـ بیشتر از مبلغی خواهد بود که بانک به صاحبان آن می پردازد. و عیناً همان فرقی که در بحث قبلی (پرداخت وام در مقابل اسناد ص ۲۵) گفتیم اینجا هم بین بانک اسلامی و دیگر بانکها وجود دارد: بانکهای موجود در این معامله سود معینی به میزان چند درصد قبلاـ از اصل پولی که وام می دهند به عنوان (ربا) برمی دارند. اما در مقابل، بانک اسلامی سودی مشاع و نامعلوم از سود پول نه از اصل آن خواهد برد که اکثراً از ربا بیشتر می شود. البته مسئله (پرداخت وام در مقابل کالا) آنگونه که بانک اسلامی عمل می کند، داخل در یک مسئله مرکب از (مضاربه و رهن) است که قبلا درباره آن دو جداگانه تحت عنوان مضاربه و رهن بحث نمودیم.

۱۶ نقد کردن اوراق بهادار

۱۶ نقد کردن اوراق بهادار

هرگاه نزد بازرگانی یک برگه مالی باشد مانند (سفته) که هنوز مدت آن نرسیده است، و شخص بازرگان به پول

آن نیازمنـد باشـد، آن برگه را نزد بانک معینی می برد تا قیمت آن برگه را نقـد دریافت کنـد، بانک ورقه را از او می گیرد و پس از کسـر مقـدار معینی از قیمـت ورقه، قیمت آن برگه را به بازرگـان می پردازد. در متعـارف بانکهـا کسـری این اوراق به میزان ربای قیمت آن سفته در باقیمانده مدت پرداخت آن می باشد. مثلا اگر بانکی در مقابل هر یک هزار تومان سالیانه پنجاه تومان بهره می گیرد، اگر سـفته ای بیست هزار تومان ارزش داشـته باشـد، و شـش ماه به وقت پرداخت آن مانـده باشـد مقدار پانصـد تومان از آن کسـر نموده، بقیه پول سـفته را که نوزده هزار و پانصد تومان باشد به صاحبش نقد می پردازد. امروزه نقد کردن سـفته ها یکی از طرق اقتصادی معاصـر به منظور گردش سـرمایه بدون دخالت پول به شمار می رود. بنابراین نقد کردن سفته هـا در عین حـال که یـک نوع کمـک به افراد محتـاج و گرفتـار است، ولی اهمیتی بزرگ هم در اسـتحکام بازرگانی، و صـادرات و واردات، و مصـرف اجنـاس، و نقـل و انتقـال آسانتر آنها دارد. بنابراین در عملیات نقـد کردن اوراق سود دو جانبه وجود دارد، و همانگونه که بانکها اسـتفاده می برنـد، عامل ها نیز سود خواهنـد برد، اما جریان سود بازرگانان: بازرگان کالای خود را در ظرف مـدت معینی بـا اقسـاط متعـدد به فروش می رسانـد، و همین معـامله اقسـاطی همـانگونه که در تمام بازارهای جهـانی متـداول است؛ به بـازار رونق مخصوصـی خواهـد بخشـید. و بازرگـان در مقابـل کالای خود سـفته هائی که طبق توافق یکدیگر وقت پرداخت آنها هر یک در یک زمان تعیین شده است از طرف می گیرد. بازرگان انواع و اقسام

سفته ها را پیش خود جمع می کند هر وقت زمان دریافت قسمتی از این سفته ها شد آنها را وصول می کند، و هنگامی که بازرگان پیش از زمان دریافت این سفته ها به پول آنها نیازی داشت، سفته ها را در بانکها نقد می کند، و قیمت آنها را با مقداری کسری دریافت می نماید. بنابراین بازرگان بدین طریق توانسته است کالای خود را از راه سریعتری به مصرف برساند، در حالیکه توانسته است برای قیمت اجناس خود ضامنی بگیرد که مانند پول نقدی همیشه در دست او است، که هر وقت به آن احتیاج داشت می تواند با کسری مختصری آنها را نقد نماید. اما استفاده بانک از این عمل بدین ترتیب است که: بانک از این طرف و آن طرف اوراق بهاداری که رسیده است نزد خود جمع می کند. هر وقت که مدت این سفته ها و اوراق مخصوص بازرگان رسید، بانک همه آنها را وارد لیست موجودی خود خواهد نمود. و اگر وقت این سفته ها هنوز نرسیده است و بانک هم به پول آنها نیاز داشته باشد، بانک می تواند این اوراق بهادار را به مشتریان خود بدهد و با کسری کمتری از اندازه ای که خود کسر کرده پول آنها را نقد کند، زیرا هرچه مدت کمتر شود کسری سفته کمتر خواهد بود، قهراً بانک در این بین سودی خواهد داشت. اگر بگوئیم: امروزه ۱۰٪ گردش و نقل و انتقالات بازرگانی آزاد جهان مربوط به عملیات نقد کردن اوراق بهادار است گزاف نگفته ایم. بانک اسلامی هم مانند سایر بانکها اقدام به عملیات نقد کردن اوراق می نماید؛ اما بانک. اسلامی با دیگر بانکهای فعلی از چند نظر فرق دارد که اینک بیان

می کنیم:

انواع نقد کردن اوراق

نقد کردن سفته، یا نقد کردن انواع دیگر اوراق بهادار بازرگانی بر چهار نوع است:

نوع اول:

آنکه سفته واقعی باشد که تنظیم آن مطابق واقع باشد، بدین ترتیب که شخصی که سفته را به دیگری می دهد در واقع قیمت آن سفته را به او بدهکار باشد. و این شخص که سفته برای او نوشته شده است می خواهد این سفته را با قیمت ارزانتری در بانک نقد کند. با اینکه مثلا سفته هزار تومانی را تحویل بانک بدهد و در مقابل مبلغ نهصد و پنجاه تومان پول نقد وصول نماید. این نوع معامله شرعا جایز است و بانک اسلامی همانند سایر بانکهای موجود می تواند وارد عملیات نقد کردن اوراق شود.

نوع دوم:

سفته هائی که تنظیم آنها مطابق واقع است، و شخصی که سفته بنام او است می خواهد این سفته ها را در بانک به قیمت نسیه ای بفروشد. بدین طریق که صاحب سفته آنها را تحویل بانک می دهد که بانک قیمت آنها را پس از مدت معینی به او بپردازد حال چه در این نوع معامله سفته را به کمتر از قیمت خودش بفروشد، یا بیشتر از قیمت خودش، یا به مساوی قیمت خودش. اینگونه خرید و فروش سفته و اوراق بهادار از نظر اسلام صحیح نیست: و در اصطلاح فقه اسلام آن را (بیع دین بدین) و یا معامله کالی به کالی گویند.

نوع سوم:

سفته های صوری که روی واقعیت تنظیم نشده است بلکه صورت سازی است، و مبلغی که در آن قید شده است در حقیقت دینی در ذمه دهنده سفته دهنده نیست، و تنظیم آن تنها به خاطر دادن اعتباری به طرف مقابل است، که به این مقدار به

او اعتبار خواهد بخشید؛ یا برای آن است که هر وقت احتیاج داشته باشد بتواند آن را بفروشد، یا از اینگونه هدفهای بازرگانی و این نوع سفته را (سفته صوری) می نامند؛ فروختن اینگونه سفته ها در بانک به قیمت نقد از نظر اسلام جایز است.

فرض فقهی مسئله

برای این مسئله راه حلهائی است که به یکی از آنها اشاره می کنیم:

مثلاً فرض می کنیم که (علی) در بان دارای اعتبار می باشد؛ و (حسین) به مبلغ یک هزار تومان احتیاج دارد؛ نزد علی می آید: و از او می خواهد که یک سفته هزار تومانی به او بدهد، تا حسین آن را در بانک به قیمت کمتری برای خود نقد نماید. علی هم سفته ای را به نام حسین امضاء می کند و به او می دهد. و حسین می آید و این سفته را در بانک نقد می کند، و در مقابل آن مبلغ نهصد و پنجاه تومان از بانک دریافت می دارد.

اینک حل فقهی مسئله

اینکه علی به حسین سفته ای می پردازد تا برای خود در بانک آن را نقد کند، در حقیقت یک نوع وکالت دادن به حسین است که حسین از طرف علی ضمن یک عقد معاوضه یک هزار تومان را پس از شش ماه به مبلغ (نهصد و پنجاه تومان) نقد تبدیل نماید. روی این حساب علی با وکالتی که به حسین داده است خود را به مبلغ هزار تومان مدیون بانک نموده است. با این عمل علی با وکالتی که خود داده است مبلغ یک هزار تومان به بانک مدیون می گردد. و در این عمل نیز یک نوع اجاره ضمنی از طرف علی برای حسین است که قیمت سفته را نقد کرده و در آن به عنوان قرض تصرف نماید.

نتیجه این خواهد شد:

که علی هزار تومان به بانک بدهکار است، و حسین نیز هزار تومان به علی بدهی دارد. این عمل از آنجا که از نظر اسلام اشکالی ندارد البته به شرطی که به همین صورت مزبور عمل کنند بانک اسلامی

نیز این قبیل سفته ها را مانند سایر بانکها رد و بدل می کند.

پول زیادی چه حکمی دارد؟

در اینجا سؤالی خود به خود پیش می آید و آن سؤال این است که حسین به عنوان وکالت از علی نهصد و پنجاه تومان از بانک گرفته است، آیا علی حق دارد که از حسین چیزی اضافه بگیرد و هزار تومان از او طلبکار شود؟

آیا این عمل ربا و حرام نیست؟

و سؤال دوم آنکه: آیا علی می تواند در مقابل پرداخت سفته هزار تومانی به حسین، مبلغی بیش از هزار تومان از حسین مطالبه نماید یا نه؟

?پاسخ پرسش اول مثبت است:

بلی علی می تواند از حسین هزار تومان مطالبه نماید، گرچه حسین تنها نهصد و پنجاه تومان از بانک دریافت کرده است و علتش هم آن است که علی سفته ای را به حسین داده است که قیمت آن یک هزار تومان بوده است، منتها وقت وصول آن مدتی بعد بوده است. بنابراین علی به حسین مبلغ هزار تومان قرض داده است اما اینکه حسین خودش رفته است و در بانک از پنجاه تومان آن صرف نظر نموده، برای آنکه عجله داشته است این خسارتی است که خود حسین برای خود قبول کرده است.

اما پاسخ پرسش دوم منفی است:

زیرا علی که سفته ای به مبلغ هزار تومان به حسین داده است؛ حق ندارد که از حسین بیش از هزار تومان مطالبه نماید. و اگر مطالبه نماید ربا و حرام خواهد بود. بنابراین در فرض ما از جهت کسر نمودن بانک اشکال ربا پیش نمی آید. تنها اشکال در آن است که به فرض علی از حسین بیشتر از مقدار سفته مطالبه نماید، که در این صورت آن زیادی

ربا و حرام است.

نوع چهارم:

آنکه سفته صوری و ساختگی را در بانک به مبلغی نسیه بفروشند، در همان مثال قبلی حسین سفته ای را که از علی گرفته است تحویل بانک بدهد به این منظور که بانک قیمت این سفته را تا مدت معینی به حساب وارد کند، این معامله نیز در ظاهر اشکال شرعی ندارد.

زیرا علی که سفته ای پرداخته است از دو حال خارج نیست: یا در بانک موجودی دارد، یا در بانک اعتبار دارد. اگر در بانک موجودی داشته باشد، معنای این سفته آن است که بانک هزار تومان از حساب علی به حساب حسین وارد نماید. و این عمل از نوع حواله خواهد شد. ولی اگر علی در بانک فعلا موجودی ندارد، تنها اعتبار و اعتماد است. معنای این سفته آن است که علی از بانک هزار تومان قرض نموده است؛ و اجازه داده است که پس از مدت معینی آن را به حسین بپردازند.

در نتیجه:

فروش سفته و سایر اوراق بهادار دیگر، که قابل خرید و فروش است در این سه نوع از نظر شرعی درست است:

۱. سفته واقعی را با کسری نقد کنند.

۲. سفته صوری را با کسری نقد کنند.

۳. سفته صوری را به نسیه بفروشند.

در این سه نوع صورت معامله سفته صحیح است. اما در یک صورت صحیح نیست و آن عبارتست از اینکه:

۴. سفته واقعی را به نسیه بفروشند.

زیرا این نوع معامله همان فروش دین بدین و معامله نامشروع کالی بکالی است. بانک اسلامی در سه صورت فوق روی سفته ها معامله انجام می دهد اما در صورت چهارم به هیچ وجه معامله نخواهد نمود.

۱۷ صرافی

از جمله کارهای (بانک اسلامی) عملیات صرافی

است که پولهـای مختلف را تبـدیل می نمایـد، و این عمل همان کاری است که امروزه می بینیم همه صـرافها انجام می دهنـد. گرچه این کار امروزه جزء کارهای اساسـی بانک به حساب نمی آید، زیرا دهها و صدها صـراف که مشـغول این کار هسـتند، سبب می شود که در این مورد کمتر به بانکهـا مراجعه شود، امـا بـا این وصف همیشه این کـار نیز جزء کارهـای بانکها بوده و هست. و این کار از نظر شـرعی صحیح و جایز است. زیرا نوعی مبادله و خرید و فروش است که بین دو طرف معامله انجام می گیرد، و خداوند هم می فرماید: (خداوند خرید و فروش را حلال کرده است).

۱۸ مقاصه یا چکهای به شرط وصول

از جمله عملیات بانک اسلامی اقدام به (مقاصه) است که امروزه در بانکهای فعلی متداول است.

(مقـاصه) آن است که (علی) و (حسـین) هر یـک بـا یک بانک غیر از بانکی که دیگری با آن معامله دارد سـروکار دارنـد هر یـک از این دو نفر که از دیگری طلبکـار است بـابت طلب خـود چکی به ارزش طلب که حـواله برای بانـک طرف حسـاب او است از او می گیرد، و این چـک را تحویل بانکی که خود حساب دارد می دهـد، و بانک پس از آنکه مبلغ چک را از بانک طرف خود وصول کرد به حساب مشتری خود می ریزد.

مثلاـ علی از حسـین ده هزار تومـان طلب دارد.وعلی داد و سـتدش با بانک اسـلامی است و حسـین با (بانک خاورمیانه) معامله دارد. حسـین چکی به مبلغ ده هزار تومان به علی می دهـد که این چک حواله بسـر بانک خاورمیانه است. علی چک مزبور را می گیرد و تحویل بانک اسلامی می دهد، بانک اسلامی هم پس از

آنکه ده هزار تومـان را از بانـک خاورمیـانه وصول کرد آن را به حساب علی واریز می کنـد. بانک اسـلامی در این نوع داد و ستد دو جانبه فعالیت دارد، هم چکهای مشتریان خود را از بانکهای دیگر وصول می نماید، و هم چکهای دیگران را از حساب مشتریان خود کسر نموده تحویل بانک های دیگر می دهد.

۱۹ عملیات دیگر

و نیز عملیات بانکی دیگری هم وجود دارد که بانک اسـلامی هماننـد سایر بانکهای معاصـر اقـدام به انجام آن عملیات خواهد نمود؛ اما با یک فرق که بانک اسـلامی همه جا در محـدوده قوانین اسـلامی گردش می نمایـد.ماننـد ضـمانتها، اجاره، صـلح، شرکت، بیمه، کفالت؛ جعاله (قرارداد) (حق العمل کاری) داد وسـتد چکها واسطه گری در کشاورزی و مزارعه و مساقات و از این قبیل معاملات که سود فراوان عاید بانک اسـلامی خواهد نمود. اما به خاطر اختصار فعلا ما از این بحثها خودداری کردیم، و بیـان آن را واگـذار نمودیم که انشـاء الله در فرصـتهای مناسبی درباره آنها رسیدگی شود. البته ناگفته نمانـد که در عملیات بانکی مسائل مختلفی برای بانک و مشتریان پیش می آید که باید از نظر شـرعی در آن مسائل حکم اسـلام و نظر فقها بدسـت بیاید.

گاهی در برخی موارد و پاره ای از معاملات بایـد دید نظر اسـلام چیست؟ آیا اسـلام آن معالمه را تجویز می کند و با مشتریان خود داد و سـتد خواهـد نمود یا نه؟ اسـلام آن معامله را حرام می داند تا بانک اسـلامی از آن دوری جوید، و به مشتریان خود نیز توصیه نماید که از آن معامله اجتناب ورزند.

اینگونه مسائل احتیاج به یک دائره المعارف اقتصادی مفصل دار که همه مسائل مربوطه را بررسی

نماید، و از مدارک اسلامی نظریات اسلام و نظریات مختلف مجتهدین را بدست آورد؛ و معلوم شود که میان بانکهای دیگر و بانک اسلامی چه فرقهائی از نظر داد و ستد وجود دارد؟

در خاتمه

این بود راهی به سوی (بانک اسلامی).

و این بود کارهای اساسی بانک اسلامی.

آیا در این راه چیزی وجود داشت که مانع تشکیل بانک اسلامی شود؟

و آیا داد و ستدهای بانک اسلامی معاملاتی کم سود به نظر رسید؟

نه خیر!

بررسی در این موضوع با اینکه به طور مختصر انجام گرفت، اما ثابت کرد که بانک اسلامی از بانکهای موجود بیشتر سود خواهد داشت. با امید خدا به همین نزدیکی ها هنگامی که بانک اسلامی از طرف بازرگانانی مسلمان و دلسوخته تأسیس گردید، خود بهترین دلیل برتری بانک اسلامی و سود بیشتر آن خواهد بود. بازرگانان مسلمان! گذشته از وظیفه انسانی و دینی که دارید بکوشید تا راه تأسیس بانک اسلامی سودی بیشتر بدست آورید. بکوشید تا رضایت الهی را در دنیا جلب نموده و در آخرت مورد آمرزش خدا قرار گیرید.

پایان

کربلا مقدسه

السید صادق الشیرازی

پی نوشتها

. سوره زمر آیه ۱۸،(فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله، و اولئک هم اولوالالباب).

. به زودی در فصل (عملیات بانک اسلامی) مقداری درباره مضاربه بحث خواهد شد، و خواننده محترم می توانند برای مطالعه بیشتر در این مورد به فصلهای دیگر از کتاب دیگر مؤلف بنام (عن الاقتصاد الاسلامی ...) مراجعه فرمایند.

. در کتاب (عن الاقتصاد الاسلامی ...) فصلی به عنوان (شبکه ابتزاز الاموال) باز شده که مؤلف در این فصل استدلال می کند که چگونه ربا اقتصاد را در هم کوبیده، و چگونه با الغاء ربا اقتصاد پیشرفت خواهد کرد.

. فصلهائی از کتاب (فی الاقتصاد الاسلامی ...) این بلاها را برای ربا ثابت می کند.

. زیرا در بعضی از فصلهای کتاب اصلی ما در اقتصاد بنام (عن الاقتصاد

الاسلامی ...) ثابت کرده ایم که بانک اسلامی بیش از بانکهای رباخوار استفاده خواهد نمود و در فصل آینده نیز اشاره ای به این مطلب خواهد شد.

. سوره انعام، آیه ۱۶.

. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ابواب دین و قرض.

. وسائل الشیعه، ج ۱۳ ابواب دین و قرض.

. (قرض الحسنه) یک اصطلاحی اسلامی است در مقابل (قرض الربا) معنای (قرض الحسنه) آن است که بهره این قرض در نزد خداوند حسنات آخرت است، و نیکیهای آن نیز در دنیا با ایجاد همبستگی اجتماع و دوری جامعه از بلاهای ربا است.

. برای توضیح بیشتر درباره این موضوع به کتاب (بانک اسلامی) تألیف: مرجع دینی حضرت آیه الله سید محمد شیرازی (دام ظله) مراجعه بفرمائید.

. سوره مائده آیه ۱: (یا ایها الذین آمنوا او فوا بالعقود).

. نهج الفصاحه، صفحه ۶۲۹: (المسلمون عند شروطهم) و در بعضی روایات اضافه شده است (ما وافق الحق من ذلک) (یعنی آن شرطهائی که موافق حق باشد).

. این بحث با بحث آینده (قبول سپرده ها) از نظر قوانین اقتصادی اسلام فرق دارد، هرچند که در بحثهای اقتصادی معاصر و نظام بانکهای فعلی این دو بحث با هم یکجا ایراد می شود، ولی به دو جهت این دو بحث را از همدیگر جدا نموده و به طور استقلال ایراد کردیم:

۱. بخاطر رعایت قوانین اسلامی که دو بحث در قوانین اسلام از هم جدا است.

۲. بخاطر فرقهائی که در این دو مورد هست، به طوری که ایجاب می کند که جداگانه مورد بحث قرار گیرند، و به زودی پس از مطالعه از این فرقها آگاه خواهید شد.

. در کتاب اصلی اقصاد قبلا درباره این مطلب در فصلهای اول به

تفصیل بحث کرده ایم.

. برخی از بانکها که بوسیله آنان حواله فرستاده می شود حاضرند در مقابل حواله ایکه بوسیله آنان فرستاده می شود سودی بپردازند، و این بانکها بر دو نوعند:

۱. بانکهای کوچک محلی که معاملات اندکی دارند، به بانکهای بزرگ جهان سودهائی می دهند تا بوسیله آنان حواله بفرستند تا از این راه معاملاتشان بیشتر شده، سود ببرند.

۲. بانکهائی که ابتدای تأسیس آنان است به بانکهای دیگر در مقابل حوالجاتشان سودهائی می دهند، تا معاملاتشان بیشتر شود.

. و در صورتی که طرف خود در خانه سکونت داشته باشد، بانک اسلامی می تواند خانه را به خود او اجاره دهد.

. آل عمران آیه ۱۳۰: (یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا الربا).

. وسائل الشیعه، کتاب التدبیر.

. بقره، ۲۷۵: (واحل الله البیع).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹